

■ تراز بازرگانی خارجی و حساب سرمایه در برنامه اول توسعه

کار: گروه تحقیق

مسئول گروه: دکتر اکبر کمیجانی

اشاره

مسأله تجارت خارجی، در بررسی امکان پذیری حصول اهداف برنامه پنجساله، از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا ساختار اقتصادی ایران وابستگی زیادی به دنیای خارج دارد. لذا ضرورت آشنایی با بازرگانی خارجی و روابط صادرات و واردات در بررسی ساختار اقتصادی ایران انکارناپذیر است. در بخش‌های اول از مطالعه حاضر، به بررسی امکان تحقق پیش‌بینی‌های برنامه اول در این زمینه پرداخته شده است. در این مطالعه که توسط پژوهشگران مرکز

پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی صورت پذیرفته است، با نگاهی به تراز حساب جاری و با توجه به ارتباط مستقیمی که میان درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و میزان صادرات غیرنفتی وجود دارد، ابتدا به بررسی صادرات نئتی طی سالهای ۱۳۶۱-۷۰ پرداخته شده و سپس صادرات غیرنفتی و واردات کشور طی این دهه مورد بررسی قرار گرفته است.

در ادامه این مطالعه، تحولات سرمایه در سالهای نخست برنامه مورد توجه قرار گرفته است. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه

تراز سرمایه با بدهی‌های خارجی مرتبط بوده و در اصل بدهی‌های خارجی تا حد زیادی جهت تأمین مالی فرار سرمایه به کار رفته است. نتایج بدلیل اینکه شاخص تحولات حساب سرمایه در برنامه پنجساله اول مورد توجه نبوده، لذا در این مطالعه صرفاً به بررسی روند موجود اکتفا شده است. در ادامه این مقاله که در واقع نخستین مطالعه مستقل در خصوص تراز بازرگانی خارجی کشور محسوب می‌گردد، موضوع تراز تلفیقی سیستم بانکی کشور نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۱- صادرات نفتی

است. چنانچه از جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، درآمد ارزی حاصل از صادرات نفتی طی سال ۶۱ معادل ۲۱۷۹۸ میلیون دلار بوده است که در سال ۶۲ نیز نسبتاً در سطح ثابتی باقی مانده است. در این سال سیاست صادراتی نفت، بر مبنای فروش به مشتریان متعدد قرار داشت، بدین معنی که از طریق عقد قراردادهای جدید و افزایش تعداد مشتریان، حتی الامکان سعی شد که به برنامه ریزی صادراتی نفت ایران لطمه‌ای وارد نیاید. به همین دلیل میزان صادرات

نفت مهمترین منبع تأمین کننده ارز مورد نیاز کشور است. از آغاز کشف و صدور این ماده حیاتی اقتصاد ایران بر پایه وابستگی به نفت طرح ریزی شده تا جائی که امروز کشور ما به صورت یک کشور تک محصولی درآمد، به طوری که در سال ۱۳۷۰ بیش از ۹۰ درصد درآمد ارزی کشور وابسته به فروش نفت بوده، و به همین دلیل نوسانات بازار جهانی نفت نیز همواره اقتصاد ایران را تحت الشعاع خود قرار داده

* جدول شماره ۱- سهم صادرات نفتی و غیرنفتی از کل صادرات (ارقام به میلیون دلار)

سال	صادرات غیرنفتی	صادرات نفتی	کل صادرات	سهم صادرات غیرنفتی (درصد)	صادرات نفت (هزار بشکه در روز)
۱۳۶۱	۲۸۳/۷	۲۱۷۹۸	۲۲۰۸۱/۷	۱/۳	۱۸۶۷
۶۲	۳۵۶/۶	۲۱۲۳۰	۲۱۵۸۶/۶	۱/۶	۲۱۰۲
۶۳	۳۶۱/۱	۱۶۷۲۶	۱۷۰۸۷/۱	۲/۱	۱۶۷۴
۶۴	۴۶۵	۱۳۷۱۰	۱۴۱۷۵	۳/۲	۱۵۱۴
۶۵	۹۱۵/۵	۶۳۵۵	۱۱۸۲۷	۷/۷	۱۲۵۵
۶۶	۱۱۶۰/۸۰	۱۰۷۵۵	۱۳۳۳۶	۸/۷	۱۵۴۶
۶۷	۱۰۳۵/۸	۹۶۷۳	۱۱۵۱۹	۸/۹	۱۶۴۷
۶۸	۱۰۴۳/۹	۱۲۰۳۷	۱۴۶۶۶	۷/۱	۱۸۷۵
۶۹	۱۳۲۷	۱۷۴۴۱	۲۰۵۲۶	۶/۴	۲۲۲۰
۷۰	۲۶۱۳	۱۵۸۰۲	۲۷۴۲۵	۹/۵	۲۷۰۵

ماخذ: بانک مرکزی ج.ا.ا، گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف و سالهای ۶۹ و ۷۰ اداره حسابهای اقتصادی.

* - آمارهای ارائه شده برای صادرات غیرنفتی در سالهای ۶۸ تا ۷۱ در گزارش «پس از چهار سال» که از سوی وزارت اورشاد اسلامی در اردیبهشت ۱۳۷۲، منتشر گشته به شرح زیر می‌باشد:

سالهای: ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱
 صادرات غیرنفتی: ۱۱۲۱/۵ ۱۳۰۳/۳ ۲۵۱۴ ۲۸۰۵/۸
 این آمارها، با آمارهای صادرات غیرنفتی که در جدول فوق درج شده، متفاوت می‌باشد، این اختلافها در آمارهای ارائه شده از سوی مراکز مختلف، گاه باعث کندی در کار و تزلزل نتایج گشته است.

آن را در سال مورد بررسی کاهش داد، به طوری که ارزش صادرات نفتی در سال ۶۴ به ۱۳۷۱۰ میلیون دلار کاهش یافت.

در سال ۱۳۶۵ (۱۹۸۶) بازارهای جهانی نفت، همچنان با مازاد عرضه روبرو بودند، به طوری که برخی از کارشناسان نفتی آن سال را سال آشفتگی بازار و اشباع جهانی نفت نامیدند. در سال مورد بررسی، بهای نفت خام در بازارهای جهانی سقوط کرد و بر اثر آن درآمد نفتی ممالک تولیدکننده نفت از جمله اعضای اوپک به میزان قابل توجهی کاهش یافت، تا جایی که اوپک حداقل بهای هر بشکه نفت خام را بین ۱۶/۲ تا ۱۸/۹ دلار تعیین کرد. به همین دلیل ارزش صادرات نفت خام و فرآورده‌های آن در ایران کاهش یافت و به ۶۲۵۵ میلیون دلار رسید. در این سال، درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت، به کمتر از نصف درآمد ارزی سال قبل کاهش یافت.

در سال ۶۶ به علت بمبارانهای مکرر در منطقه خلیج فارس، تولید نفت منطقه فلات قاره با کاهش چشمگیری روبه رو شد. در این سال قیمت جهانی نفت و به تبع آن قیمت نفت ایران نسبت به سال ۶۵ بهبود چشمگیری داشت، به طوری که میانگین قیمت هر بشکه نفت خام ایران به ۱۶/۷ دلار افزایش یافت و نتیجتاً درآمد ارزی کشور به حدود ۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۶ افزایش یافت. این مبلغ نسبت به سال قبل ۷۲ درصد افزایش نشان می‌دهد!

نفت در این سال نسبت به سالهای قبل افزایش داشته است. در این سال با وجود اینکه قیمت نفت پایه اوپک تقلیل یافت و از بشکه‌ای ۳۴ دلار به ۲۹ دلار رسید (این در واقع اولین باری بود که اوپک طی ۲۳ سال فعالیت خود بهای نفت را رسماً کاهش می‌داد)، اما قیمت نفت سبک ایران در همان حد هر بشکه ۲۸ دلار باقی ماند.

در سال ۱۳۶۳ بواسطه وجود عوامل محدودکننده در بازارهای جهانی تولید، نفت خام ایران کاهش چشمگیری یافت که عمدتاً به دلیل حفظ قیمت تعیین شده از سوی اوپک اعمال می‌شد و لذا ارزش صادرات ایران به ۱۶۷۲۶ میلیون دلار کاهش یافت.

بازارهای نفتی کشورهای صنعتی غرب در اغلب فصول سال ۱۹۸۵ همانند سال قبل با مازاد عرضه روبرو بودند. در همین حال بعضی از تولیدکنندگان غیر اوپک برای تحت فشار قراردادن کشورهای عضو اوپک و وادار ساختن آنها به کاهش بهای نفت در زمانهای مختلف، اقدام به افزایش تولید نفت خام خود کردند. به موازات این امر برخی از اعضای اوپک نیز با آنان همسو و همگام شده و بر بحران موجود دامن زدند. به همین سبب اوپک ناچار شد به منظور دفاع از قیمت پایه نفت خام، سقف تولید خود را کاهش دهد. به همین دلیل طی سال ۱۳۶۴ با وجودی که همچنان کشور ما از حداکثر ظرفیت تولیدی پالایشگاههای فعال کشور بهره‌برداری به عمل می‌آورد، میزان تولید نفت خام را افزایش داد، اما صادرات

۱ - وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت اقتصادی، امکان‌پذیری حصول اهداف برنامه اول توسعه اقتصادی -

مقدار صادرات مستقیم در سال ۱۳۶۷ روزانه ۱/۶ میلیون بشکه در روز بوده که نسبت به سال ۶۶، حدود ۳/۹ درصد افزایش داشته، اما با توجه به کاهش قیمت هر بشکه نفت خام در سال ۱۳۶۷ (۱۲/۷۶ دلار برای هر بشکه) ارزش صادرات در این سال ۹/۶ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال قبل ۱۰ درصد کاهش نشان می‌دهد (جدول شماره ۱).

در سال ۱۳۶۸ میزان صادرات بالغ بر ۱/۸ میلیون بشکه در روز شد که با توجه به افزایش میزان مصرف نفت جهانی، از ۶۳۵۹۰ هزار بشکه در روز در سال ۶۷ به ۶۴۸۰۵ هزار بشکه در روز در سال ۶۸ میزان تولید کل اوپک و بالطبع سهمیه ایران نیز افزایش یافت و در مجموع درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت در این سال بالغ بر ۱۲۰۳۷ میلیون دلار گردید که نسبت به رقم مشابه سال قبل ۲۴/۴ درصد رشد نشان می‌دهد.

در سال ۱۳۶۹ بازار نفت با نوسانات شدیدی مواجه بود. در اوایل سال، بهای نفت خام به دلیل فراوانی عرضه در سطح پائینی قرار داشت. عدم توافق کشورهای عضو اوپک در مورد کاهش میزان تولید، یکی از عوامل عمده در تنزل بهای نفت بود. در اواسط اردیبهشت توافق دستجمعی اعضای اوپک در مورد کاهش سطح تولید این سازمان به میزان ۱/۵ میلیون بشکه در روز به تقریباً نسبی بهای نفت کمک نمود

و بالاخره اوپک در هشتاد و هفتمین اجلاس وزیران حداقل قیمت پایه نفت را ۲۱ دلار، سقف تولید را ۲۲/۵ میلیون بشکه در روز و سهمیه ایران را ۳/۱۴ میلیون بشکه در روز تعیین نمود. با تجاوز عراق به خاک کویت، گرچه بهای نفت شدیداً ترقی کرد، ولی با نوسانات زیادی مواجه شد که عمدتاً تحت تأثیر تحولات سیاسی قرار داشت.^۲ در این سال صادرات نفت به ۲/۲ میلیون بشکه در روز بالغ گردید و درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت به ۱۷۴۴۱ میلیون دلار رسید که نسبت به سال قبل ارزشی معادل ۴۴/۹ درصد برخوردار بود (جدول شماره ۱).

در سال ۱۳۷۰ علی‌رغم افزایش میزان صادرات از ۲/۷ میلیون بشکه در روز (سال ۶۹ صادرات روزانه نفت ۲/۲ میلیون بشکه بود)، درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت از ۱۷۴۴۱ میلیون دلار به ۱۵۸۰۲ میلیون دلار کاهش داشته که عمدتاً ناشی از کاهش قیمت نفت به دلیل ناهمگونی اعضای اوپک در خصوص سهمیه‌های تعیین شده و افزایش میزان عرضه از سوی برخی از کشورهای عضو نسبت به سهمیه تعیین شده برای آنها می‌باشد. در هر حال درآمد ارزی در این سال نسبت به سال گذشته ۹/۴ درصد کاهش نشان می‌دهد.

۱- اجتماعی - فرهنگی ج.ا.ا، در بخش تجارت خارجی، سال ۱۳۶۹.

۲- بانک مرکزی ج.ا.ا، خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال ۶۹ صفحه ۲۹.

۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال ۱۳۶۹ صفحه ۸.

۲- صادرات غیرنفتی

گرچه در رابطه با استراتژیهای توسعه اقتصادی و صنعتی، بحث میان استراتژیهای جایگزینی واردات و تشویق صادرات سالهاست که بین اقتصاددانان جریان دارد و این مطلب که دخالت دولتها در کدام استراتژی بیشتر یا کمتر است و آیا ضروری است یا خیر، هنوز هم مسأله مهمی است، ولی در عمل به نظر می‌رسد که اکثر دولتها به طور مستقیم یا غیرمستقیم، در بازرگانی جهانی دخالت می‌کنند. در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز، در بخش بازرگانی به کلیه سیاستهای صادراتی در جهت توسعه صادرات در کشورهای جهان اشاره شده است که اهم آنها عبارتند از: کمک به تقویت بنیه اقتصادی کشور، کمک به ارزش افزوده کالاهای صادراتی و توسعه صادرات صنعتی که با توجه به ظرفیتهای تولیدی بخشهای مختلف کشور و نیازهای ساختاری موجود اقتصاد جامعه طی دوران برنامه استراتژی جایگزینی واردات و تشویق صادرات، با عنایت به برتریهای نسبی کشور در هر زمینه، باید به صورت همزمان تعقیب گردد. چنانچه از جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، ارزش صادرات غیرنفتی از ۲۸۳/۷ میلیون دلار در ابتدای دوره به ۲۶۱۳ میلیون دلار در سال ۱۳۷۰ بالغ شده که از رشدی معادل ۸۲۱ درصد برخوردار بوده است. در واقع ارزش صادرات سال ۱۳۷۰ بیش از ۹ برابر سال ۶۱ بوده است. گرچه ارقام مطلق درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی

طی این دوره همواره رشد صعودی داشته، ولی همواره درصد ناچیزی از کل صادرات را تشکیل می‌دهد. به طوری که این سهم که در سال ۶۱ معادل ۱/۳ درصد بوده، در سال ۶۴ به ۳/۲ درصد رسیده، ولی از سال ۶۵ به بعد و با کاهش درآمد ارزی حاصل از صدور نفت، سهم صادرات غیرنفتی افزایش یافته و از ۷/۷ درصد در سال ۶۵ به رقم ۹/۵ درصد در سال ۷۰ بالغ می‌گردد. افزایش قابل توجه سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات را در سال ۷۰ می‌توان در اثر سیاستهای جدید اتخاذ شده دانست که عمدتاً عبارتند از: معافیت واردات مواد اولیه، قطعات و تجهیزات مورد نیاز در تولید کالاهای صادراتی از تمامی مقررات مربوط به بررسی قیمت در مراکز تهیه و توزیع و گواهی عدم ساخت و اجازه واردات مواد اولیه و تجهیزات کلیه اقلام تولیدی به صادرکنندگان از محل ارز حاصل از صادرات آنان، تخصیص تنخواه ارزی و وام به صادرکنندگان، لغو حد مجاز اعتبار صادراتی و مهمتر از همه افزایش نرخ ارز صادراتی تا حد نرخ ارز شناور و ... مضافاً به این که، برای تشویق بیشتر صادرات غیرنفتی متجاوز از ۳۰ قلم مواد معدنی صادراتی و بخش عمده‌ای از محصولات صنایع دستی از توزیع پیمان معاف گردید و در رابطه با تودیع پیمان محصولات صادراتی صنایع سنگین نیز تسهیلاتی در نظر گرفته شد، به علاوه در اواخر سال ۶۹ شرایط پیمان ارزی برای کلیه کالاهای صادراتی با هدف تسهیل در امر

صادرات، تغییر اساسی یافت، و عملاً پیمان صادراتی به عنوان گواهی صدور و یا پایه اطلاعات برای برآورد میزان ارز حاصل از صادرات مفهوم پیدا کرد.

گرچه نتایج نهایی این اقدامات در میان مدت و بلندمدت قابل حصول است، ولی ارقام مربوط به صادرات غیرنفتی در سالهای ۶۹ و ۷۰ حاکی از آن است که در سالهای مذکور به ترتیب شاهد ۲۷/۱ درصد و ۹۶/۹ درصد رشد بوده است که این نشان دهنده تأثیر مثبت این اقدامات در جهت افزایش میزان صادرات می باشد. البته این عملکرد با اهداف برنامه در مورد بخش صادرات فاصله زیادی دارد، اما در مجموع روند آن امیدبخش به نظر می رسد.

۳- تحولات سهم نسبی گروههای عمده کالاهای صادراتی

به منظور بررسی تحولات سهم نسبی گروههای عمده کالاهای صادراتی غیرنفتی، کالاها در گروههای عمده کشاورزی، فرش، صنعتی و محصولات معدنی خلاصه گردیده است.

چنانچه در جدول شماره ۲ مشاهده می شود، صادرات کالاهای کشاورزی و سنتی همواره بالاترین سهم از صادرات کل را تشکیل داده و طی سالهای ۷۰-۱۳۶۱ از رشد متوسط سالانه ۳/۲۴ درصد برخوردار بوده است. در سال ۱۳۶۱ اقدامات تشویقی جهت افزایش صادرات غیرنفتی کشور

صورت گرفت، از جمله براساس بخشنامه مورخ ۶۱/۴/۲۳ مهلت واریز پیمانهای ارزی با نرخ ترجیحی جهت صادرات فرش از یک سال به ۱۴ ماه افزایش یافت. همچنین براساس مصوبه مورخ ۶۹/۹/۲۱ هیأت وزیران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، طی بخشنامه ای مبادلات تهاتری کالاهای غیرنفتی بخش خصوصی را بلامانع اعلام کرد. براساس این بخشنامه صادرکنندگان اجازه یافتند ارز حاصل از صادرات خود را ظرف مهلتی که مقرر شده است به کشور منتقل و یا از محل آن برای خرید کالا از خارج شخصاً کالاهای مجاز را خریداری و طی مدت شش ماه از کشور صادر کنند. در این زمینه جهت ورود کالا ضمن انجام مراحل ثبت سفارش، نیازی به تخصیص ارز نیست. علی رغم اقدامات تشویقی فوق در سال ۱۳۶۱ حدود ۲۸۴ میلیون دلار کالا از کشور صادر شد که نسبت به سال ۱۳۶۰ بیش از ۱۶ درصد کاهش داشت. در سال مذکور ارزش صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی به ۲۵۵ میلیون دلار رسید که حدود ۹۰ درصد صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص داد. در این میان صدور فرش در سال ۱۳۶۱ علی رغم اقدامات تشویقی دولت کاهش یافت که عمده ترین علت آن را می توان خروج غیرمجاز فرش از مرزهایی که کنترل دقیق بر آنها اعمال نمی شد دانست. در این سال صادرات کالاهای صنعتی

صدور این رقم کالا حدود ۲/۵ درصد ارزش کل صادرات غیرنفتی را تشکیل داد. در سال ۱۳۶۲ اقدامات تشویقی جدید جهت افزایش صادرات غیرنفتی کشور صورت گرفت. از جمله در تاریخ ۱۳۶۲/۳/۸ براساس بخشنامه‌ای مقرر گردید صادرکنندگانی که دربانکها دارای حساب ارزی هستند، در صورتی که پیمان نامه ارزی واریز شده دربانک نداشته باشند، مجازند که موجودی ارزی حساب خود را به بانک فروخته و اعلامیه خرید ارز صادرات را جهت صدور کالاهای مجاز دریافت کنند. همچنین تسهیلاتی در جهت افزایش مهلت

حدود ۶۱ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافت و به ۲۱ میلیون دلار رسید که ۷/۵ درصد از ارزش کل صادرات غیرنفتی را شامل می‌شد. در این سال صادرات البسه آماده تریکو و انواع پارچه در صدر صادرات کالاهای صنعتی قرار داشت و صادرات بیسکویت و انواع شیرینی متوقف شد. علت افزایش صادرات کالاهای صنعتی در این سال عمدتاً افزایش صدور سیمان، سنگ، مصالح ساختمانی و موزائیک است. در سال مذکور صادرات کلوخه‌های کانی و فلزی ۴۲ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافت و به حدود ۷ میلیون دلار رسید.

جدول شماره ۲- صادرات اقلام عمده طی سالهای ۷۰-۱۳۶۱ بر حسب میلیون دلار (ارزش)

سال	کشاورزی		کالاهای صنعتی		کشاورزی		کالاهای صنعتی	
	فروش	کلوخه‌های کانی	فروش	کلوخه‌های کانی	فروش	کلوخه‌های کانی	فروش	کلوخه‌های کانی
۱۳۶۱	۲۵۵/۳	۶۷	۲۱/۳	۷/۱	۲۳/۶	۲/۵	۹۰	۲۱/۳
۶۲	۳۱۸/۱	۸۸/۹	۲۶	۱۳/۵	۲۴/۹	۳/۵	۸۹/۲	۲۶
۶۳	۲۹۵	۸۹/۸	۲۷/۳	۳۸/۸	۲۲/۸	۱۰/۷	۸۱/۸	۲۷/۳
۶۴	۳۷۱	۱۱۵/۱	۶۴	۳۰	۲۲/۸	۶/۵	۷۹/۸	۶۴
۶۵	۷۸۰/۷	۳۵۶	۱۰۹/۹	۲۴/۹	۳۸/۹	۲/۷	۸۵/۳	۱۰۹/۹
۶۶	۹۹۰/۷	۴۸۲/۱	۱۳۱/۸	۳۸/۳	۴۱/۵	۳/۳	۸۵/۳	۱۳۱/۸
۶۷	۷۷۰/۳	۳۰۸/۸	۲۳۲/۷	۳۲/۸	۲۹/۸	۲/۲	۷۴/۲	۲۳۲/۷
۶۸	۸۹۴/۴	۳۴۴/۷	۱۲۲/۶	۲۶/۹	۳۳	۲/۲	۸۵/۶	۱۲۲/۶
۶۹	۱۱۱۱/۶	۴۷۴/۷	۱۸۹/۵	۲۵/۷	۲۴/۶	۳/۲	۸۱	۱۸۹/۵
۷۰		۱۱۳۸/۴	۵۵/۶		۲۳/۱	۲/۱		۵۵/۶

ماخذ: بانک مرکزی ج.ا. گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف و اداره حسابهای اقتصادی. (*) گرچه فروش زیربخشی از کالاهای کشاورزی و سنتی است ولی به دلیل اهمیت صادرات آن ارزش و سهم آن به طور مجزا نسبت به کل صادرات محاسبه شده است.

در سال ۱۳۶۳ ارز حاصل از صادرات غیرنفتی نسبت به سال قبل افزایش محدودی یافت (۱/۲ درصد رشد نسبت به رقم مشابه سال قبل). همچنین در این سال در زمینه تشویق و توسعه صادرات غیرنفتی، تصمیمات متعددی اتخاذ شد و به مرحله اجراء درآمد. از جمله از اوایل آذرماه به موجب بخشنامه بانک مرکزی، صادرکنندگان بخش خصوصی مجاز شدند که از حسابهای ارزی به منظور واردات کالا در مقابل صادرات، واریز پیمانهای ارزی موجود و یا صدور کالاهای جدید نیز استفاده کنند. همچنین تسهیلات دیگری نیز در زمینه صادرات غیرنفتی به مرحله اجراء درآمد که اهم آنها به قرار زیر است:

اولاً صادرکنندگان بخش خصوصی و تعاونی مجاز شدند که ارز حاصل از صادرات خود را در داخل بخشهای مذکور به کسانی که مجاز به واردات کالاها هستند واگذار کنند.

ثانیاً واحدهای تحت پوشش و وابسته به وزارتخانههایی که در امر تولید و توزیع محصولات فعالیت دارند، اجازه یافتند که به امر واردات در مقابل صادرات اقدام کنند و در صورت تمایل و تحت شرایطی، ارز حاصل از صادرات خود را به سایر واحدهای تسویدی یا شرکتهای تحت پوشش وزارتخانه ذربط انتقال دهند، لکن انتقال ارز واریزنامه به بخش خصوصی و تعاونی منع شد.

واریز پیمان ارزی حاصل از صادرات روده ایجاد شد. در سال مورد بحث، در نتیجه اقدامات تشویقی دولت افزایش تولید، صادرات کالاها جمعاً به ارزش ۳۵۷ میلیون دلار رسید که حدود ۲۶ درصد نسبت به سال قبل افزایش نشان می دهد (جدول شماره ۱) در این سال ارزش صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی به ۳۱۸ میلیون دلار رسید که حدود ۲۵ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافت و سهمی حدود ۸۹ درصد ارزش کل صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص داد. صادرات فرش برخلاف روند نزولی سالهای گذشته در سال ۶۲ نسبت به رقم مشابه سال قبل حدود ۳۳٪ افزایش یافت. صدور فرشهای ارزان قیمت به دلیل باصرفه بودن، همچنین تعیین مهلت استفاده از اعلامیههای خرید ارز قبل از صادرات به مدت یک سال برای فرش، دلیل عمده افزایش صادرات این کالا به شمار می رود.

در سال ۱۳۶۲ صادرات کالاهای صنعتی حدود ۲۲ درصد نسبت به سال ۱۳۶۱ افزایش پیدا کرد و به ۶۲ میلیون دلار رسید که حدود ۷ درصد ارزش کل صادرات کالاهای غیرنفتی را شامل می شد. در این سال صادرات کلوخههای کانی و فلزی به میزان ۷۶ درصد افزایش یافت و معادل ۱۲/۵ میلیون دلار شد، معذالک ۳/۵ درصد کل صادرات کالاهای غیرنفتی را به خود اختصاص می داد.

عملکرد بخش بازرگانی طی چهار سال اول برنامه و مقایسه آن با اهداف کمی برنامه

عنوان هدف	شاخص ارزیابی	واحد اندازه گیری	سال ۱۳۶۸		سال ۱۳۶۹	
			برنامه عملکرد نسبت به برنامه درصد	برنامه عملکرد نسبت به برنامه درصد	برنامه عملکرد نسبت به برنامه درصد	برنامه عملکرد نسبت به برنامه درصد
توسعه	کل صادرات غیر نفتی	میلیون دلار	۱۷۳۹	۱۱۲۱/۵	۲۳۸۳	۱۳۰۳/۳
صادرات	صادرات کالاهای کشاورزی	" "	۴۸۴	۵۲۷	۵۵۱	۵۸۱/۶
غیر نفتی	صادرات کالاهای صنعتی	" "	۷۴۹	۱۲۴/۴	۱۰۲۸	۱۶۳/۴
	صادرات فرش	" "	۴۲۰	۳۵۳	۵۸۸	۴۸۲/۸
	صادرات محصولات معدنی	" "	۸۳	۴۶/۱	۲۰۶	۷۵/۵
	صادرات مواد دارویی	" "	۳	۱/۶	۱۰	

عملکرد بخش بازرگانی طی چهار سال اول برنامه و مقایسه آن با اهداف کمی برنامه

عنوان هدف	شاخص ارزیابی	سال ۱۳۷۰		سال ۱۳۷۱		متوسط رشد چهار سال اول (درصد)	عملکرد سال ۶۷
		برنامه عملکرد نسبت به برنامه درصد	برنامه عملکرد نسبت به برنامه درصد	برنامه عملکرد نسبت به برنامه درصد	برنامه عملکرد نسبت به برنامه درصد		
توسعه	کل صادرات غیر نفتی	۳۱۵۰	۲۵۱۴	۴۲۴۸	۳۸۰۵/۸	۴۲/۸	۱۰۲۱/۱
صادرات	صادرات کالاهای کشاورزی	۶۰۴	۷۴۲/۷	۶۶۰	۸۰۱	۷/۶	۲۹۳
غیر نفتی	صادرات کالاهای صنعتی	۱۴۴۰	۵۰۰	۲۰۲۳	۶۷۳/۵	۹۳	۱۴۷/۸
	صادرات فرش	۸۲۳	۱۲۲۴/۵	۱۱۵۲	۱۲۸۷	۳۴/۵	۳۵۲
	صادرات محصولات معدنی	۲۶۰	۴۶/۸	۳۶۰	۴۴/۳	۹۰/۳	۲۷/۴
	صادرات مواد دارویی	۲۳		۳۳		۱۴۶	۰/۹

مأخذ: گزارش هس از چهار ساله (بررسی عملکرد چهار ساله دولت)، نشره از سوی وزارت ارشاد اسلامی در اردیبهشت سال ۷۲

رسید که نسبت به سال ۶۳ حدود ۲۹ درصد افزایش یافت. تداوم سیاستهای تشویقی دولت جهت گسترش صادرات غیرنفتی که از سال ۶۳ آغاز شده بود، از جمله اتخاذ سیاستهایی در جهت تسهیل صادرات غیرنفتی، از قبیل مجاز نمودن صادرات در مقابل واردات قبلی، معافیت تعدادی از کالاهای صادراتی از سپردن پیمان ارزی، تعیین فهرست کالاهای قابل ورود در مقابل صادرات و تخفیفات ارزی به صادرکنندگان، موجب شد که صادرات غیرنفتی از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار شود. در این سال ارزش صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی به ۳۷۱ میلیون دلار رسید که حدود ۲۶ درصد بیش از سال قبل بود و حدود ۸۰ درصد کل ارزش صادرات غیرنفتی را تشکیل داد. در میان گروه کالاهای سنتی، صادرات فرش در صدر قرار داشت که عمدتاً به دلیل اعطای تخفیف‌های ارزی به صادرکنندگان فرش در آذرماه سال ۱۳۶۳ بود. لازم به توضیح است که میوه‌های تازه و خشک هم از جمله کالاهایی بودند که از معافیت سپردن تمام یا بخشی از پیمان ارزی برخوردار شدند، به همین جهت صادرات این اقلام نسبت به سال قبل ۲۴ درصد افزایش یافت. در این سال صادرات کالاهای صنعتی با افزایش چشمگیری حدود ۱۳۴ درصد نسبت به سال قبل به ۶۴

ثالثاً برای کالاهای صادراتی که قیمت تمام شده آنها در داخل بیشتر از قیمت بین‌المللی بود، تشویق ریالی به منظور جبران ضرر صادرکنندگان در نظر گرفته شد. لیکن علی‌رغم اتخاذ تصمیمات فوق‌الذکر، ارزش صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۶۳ نسبت به سال قبل تغییر چندانی نکرد و به ۳۶۱ میلیون دلار محدود شد. اما از آنجا که بخش عمده این تصمیمات از اوایل سال به مورد اجراء گذاشته شد، لذا باید آثار آن را در سال ۱۳۶۴ جستجو کرد. در سال ۱۳۶۳ ارزش صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی با ۷/۳ درصد کاهش به ۲۹۵ میلیون دلار رسید که حدود ۸۲ درصد ارزش کل صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص داد. در سال مذکور، صادرات کالاهای صنعتی ۵ درصد افزایش یافت و به ۲۷/۳ میلیون دلار رسید که معادل ۷/۶ درصد ارزش کل صادرات غیرنفتی بود. در این سال ارزش صادرات البسه آماده و انواع پارچه بیش از نصف کل کالاهای صنعتی بود. در سال ۱۳۶۳ صادرات کلوخه‌های کانی و فلزی بیش از سه برابر سال قبل شد و به ۳۹ میلیون دلار رسید که حدود ۱۱ درصد کل ارزش صادرات غیرنفتی را شامل شد. عمده این رقم مربوط به صدور سنگ روی بود که در سال مذکور افزایش زیادی داشت.^۴

در سال ۱۳۶۴ ارزش کالاهای صادراتی (بدون نفت و گاز) به ۴۶۵ میلیون دلار

۴- گزارش اقتصادی ترازنامه بانک مرکزی ج.ا.ا. سال ۱۳۶۳.

میلیون دلار رسید و حدود ۱۴ درصد از کل ارزش صادرات غیرنفتی را تشکیل داد. در سال ۱۳۶۴ صادرات کلوخه‌های کانی و فلزی حدود ۲۳ درصد کاهش داشت و به ۳۰ میلیون دلار محدود شد و سهم آن نیز از کل صادرات از ۱۰/۷ درصد در سال ۶۳ به ۶/۴ تنزل پیدا کرد.

۴- مضیقه‌های ارزی

در سال ۶۵ به دلیل مضیقه‌های ارزی ناشی از کاهش درآمد نفت، سیاستهای تشویق و توسعه صادرات غیرنفتی مورد توجه و تأکید بیشتری قرار گرفت. در این سال ارزش صادرات غیرنفتی به حدود ۲ برابر سال قبل افزایش یافت و به ۹۱۵/۵ میلیون دلار رسید. اعطاء تخفیف‌های ارزی گوناگون به صادرکنندگان و اجازه واردات از محل ارزهای صادراتی و در نتیجه انتقال سود حاصل از واردات به صادرکننده، از عوامل اصلی افزایش بی‌سابقه صادرات غیرنفتی در این سال بود.

در سال مذکور، عدم کفاف ارزی دولت برای تامین نیازهای واحدهای تولیدی کشور، موجب شد که واحدهای مذکور جهت تامین مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز خود به ارزهای صادراتی روی آوردند که در نتیجه تقاضا برای این‌گونه ارزها، به ویژه از اوائل سال ۱۳۶۵ افزایش شدیدی یافت. این مسأله از یک طرف موجبات افزایش صادرات کالاهای غیرنفتی را فراهم آورد و از طرف دیگر به دلیل عدم کنترل نرخ ارزهای صادراتی (نرخ واریز

نامه) و قیمت کالاهای وارداتی در مقابل صادرات، باعث افزایش نرخ واریز نامه شد که خود علت اصلی افزایش صادرات در این سال است. بدین ترتیب هرچند که افزایش نرخ واریز نامه در این سال موجب رشد بی‌سابقه صادرات غیرنفتی شد، ولی به جهت ظرفیتهای محدود صادراتی و عدم برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاریهای لازم در جهت توسعه زیربنایی کالاهای صادراتی کشور، رشد مذکور با افزایش شدید قیمت داخلی کالاهای صادراتی همراه بود.

در سال ۱۳۶۵ ارزش کالاهای سنتی و کشاورزی به حدود ۷۸۱ میلیون دلار رسید که بیش از ۱۱۰ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشت و حدود ۸۵/۳ درصد صادرات غیرنفتی را تشکیل می‌داد. در این سال صادرات کالاهای صنعتی با ۷۱/۷ درصد افزایش نسبت به سال قبل به حدود ۱۱۰ میلیون دلار رسید که ۱۲ درصد کل ارزش صادرات غیرنفتی را تشکیل داد. در سال مذکور، صادرات کلوخه‌های کانی و فلزی ۱۷ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت و به ۲۵ میلیون دلار محدود شد، سهم آن نیز در کل صادرات غیرنفتی از ۶/۴ درصد در سال ۶۴ به ۲/۷ درصد در سال ۶۵ کاهش یافت.

در سال ۶۶ رشد صادرات غیرنفتی به ۲۶/۸ درصد رسید که در مقایسه با نرخ رشد سال قبل ۹۶/۹ درصد، حاکی از کند شدن روند توسعه صادرات است. در این سال ارزش صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی به حدود ۹۹۰ میلیون دلار رسید که ۲۶/۸

درصد نسبت به سال قبل افزایش داشت و حدود ۸۵ درصد صادرات غیرنفتی را تشکیل می‌داد. صادرات کالاهای صنعتی با ۲۰ درصد افزایش نسبت به سال قبل به ۱۳۱ میلیون دلار بالغ شد که حدود ۱۱ درصد کل ارزش صادرات غیرنفتی را تشکیل می‌داد.

متأسفانه در سال ۱۳۶۷ صادرات غیرنفتی عملکرد منفی نسبت به سال قبل داشت و ارزش کل صادرات غیرنفتی در این سال حدود ۱۰۳۵/۸ میلیون دلار بوده است. در این سال صادرات کالاهای کشاورزی و ستنی نسبت به رقم مشابه سال قبل ۲۲ درصد کاهش نشان می‌دهد و صادرات فرش نیز از روند نزولی برخوردار بوده، به طوری که حدود ۳۶ درصد نسبت به سال گذشته تنزل یافته است. معدالک صادرات کالاهای صنعتی در سال ۶۷ نسبت به سال قبل ۷۶/۵ درصد افزایش یافته و برای اولین بار ۲۲/۴ درصد از ارزش صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص داده است که عمدتاً ناشی از افزایش صادرات مواد شیمیایی (به میزان ۸۷/۳ درصد) و افزایش صادرات شمش مس و ورق و مفتول آن به میزان ۲۴۳ درصد بوده است.^۵ شایان ذکر است که صادرات کلوخه‌های کانی و فلزی نیز نسبت به سال قبل ۱۴/۳ درصد کاهش یافته و سهم آن از کل ارزش صادرات غیرنفتی ۳/۱ درصد بوده است. عمده‌ترین علل کاهش میزان وزنی صادرات

غیرنفتی و قیمتهای آن را در این سال، می‌توان ناشی از شرایط خاص سیاسی - اجتماعی سال ۶۷ دانست.

در سال ۱۳۶۸ صادرات غیرنفتی نسبت به سال قبل حدود ۰/۸ درصد رشد داشته ولیکن در مقایسه با رقم برنامه، ۳۹/۹ درصد کمتر بوده است. کاهش عملکرد نسبت به اهداف برنامه، عمدتاً مربوط به کاهش عملکرد صادرات کالاهای صنعتی (۸۳/۶ درصد) و محصولات معدنی (۶۷/۶ درصد) و نیز فرش (۱۷/۹ درصد) بوده است. در واقع باتوجه به عملکرد سنوات قبل و حتی عملکرد سالهای ۶۷ و ۱۳۶۸ مشخص می‌شود که برنامه توسعه صادرات غیرنفتی در برنامه اول کاملاً خوش‌بینانه تهیه شده و با واقعیات اقتصادی کشور منطبق نیست، چراکه در مجموع ۳۹/۹ درصد در سال ۶۸ عدم تحقق داشته است. در واقع چنانچه از ارقام برنامه مشاهده می‌شود، در برنامه صادرات غیرنفتی سهم عمده در افزایش صادرات، به بخش صنعت داده شده است. حال آنکه عملکرد سالهای ۶۸ و ۶۹ نشانگر آن است که صادرات در بخش کشاورزی بیش از اهداف برنامه (به ترتیب ۸۴/۶ درصد و ۱۰۱/۵ درصد) تحقق یافته است و به نظر می‌رسد، چنانچه در امر بهبود افزایش تولید کالاهای صنعتی اقدامی جدی صورت نگیرد، باتوجه به افزایش جمعیت

۵ - گزارش اقتصادی و تراز نامه بانک مرکزی ج.ا.ا. سال ۶۸ صفحه ۲۲۰.

درصد رشد نشان می‌دهد)، ولی نسبت به اهداف برنامه ۴۴/۳ درصد کمتر تحقق یافته است که این امر عمدتاً به دلیل عدم تحقق صادرات صنعتی (۸۱/۵ درصد)، بوده است. در واقع عملکرد صادرات در بخش صنعت، همچنان فاصله چشمگیری با اهداف برنامه داشته است. به طوری که شاهد بیش از ۸۰ درصد عدم تحقق

و افزایش تقاضای داخلی برای کالاهای صادراتی، افزایش صادرات غیرنفتی به نحوی که در برنامه منظور شده است، غیرممکن باشد.

همان گونه که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، عملکرد صادرات غیرنفتی در سال ۶۹ گرچه وضعیت بهتری نسبت به سال ۱۳۶۸ داشته است (۲۷/۱)

جدول شماره ۳ - مقایسه اهداف برنامه و عملکرد صادرات غیرنفتی طی سالهای ۷۱-۱۳۶۸ (میلیون دلار)

سال	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲
صادرات غیرنفتی (برنامه)	۱۷۳۹/۵	۲۳۸۳/۵	۳۱۴۹/۶	۴۲۴۷/۹	۶۳۱۵/۵
صادرات غیرنفتی (عملکرد)	۱۰۴۳/۹	۱۳۲۷	۲۶۱۳	۲۸۰۵/۸	-
درصد عدم تحقق	-۳۹/۹	-۲۴/۳	-۱۷	-۳۴	-
صادرات کشاورزی سنتی (برنامه)	۴۸۴/۵	۵۵۱/۵	۶۰۳/۶	۶۵۹/۹	-
صادرات کشاورزی و سنتی (عملکرد)	۸۹۴/۴	۱۱۱۱/۶	۷۴۲/۷	۸۰۱	-
درصد عدم تحقق	+۸۴/۶	+۱۰۱/۵	+۲۳	+۲۱	-
صادرات کالاهای صنعتی (برنامه)	۷۴۹	۱۰۲۸	۱۴۴۰	۲۰۴۳	۳۷۴۰
صادرات کالاهای صنعتی (عملکرد)	۱۲۲/۶	۱۸۹/۵	۵۰۰	۶۷۳/۵	-
درصد عدم تحقق	-۸۳/۶	-۸۱/۵	-۶۵/۳	-۶۷	-
صادرات فروش (برنامه)	۴۲۰	۵۸۸	۸۲۳	۱۱۵۲	۱۴۱۷
صادرات فروش (عملکرد)	۳۴۴/۷	۲۷۴/۷	۱۱۲۸/۴	۱۲۸۷	-
درصد عدم تحقق	-۱۷/۹	-۱۹/۲	+۳۷/۱	+۱۲	-
صادرات محصولات معدنی (برنامه)	۸۳	۲۰۶	۲۶۰	۳۶۰	۳۹۱
صادرات محصولات معدنی (عملکرد)	۲۶/۹	۴۵/۷	۵۵/۶	۴۴/۳	-
درصد عدم تحقق	-۶۷/۶	-۷۷/۸	-۷۸/۶	-۸۸	-

ماخذ: سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۷۲-۱۳۶۸ سال ۱۳۶۹ و بانک مرکزی ح.ا.ا. اداره حسابهای اقتصادی، سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ گزارش پس از چهارسال (بررسی عملکرد چهارساله دولت) منشوره ازسوی وزارت ارشاد اسلامی، اردیبهشت ۱۳۷۲.

که در برنامه پنجساله بعدی به این واقعیات توجه داشت و سهم بیشتری را به بخش صادرات کشاورزی و سستی واگذار نمود. اگرچه امید آنست که با رفع مشکلات ساختاری بخش صنعت (در صورتی که مدیران این بخش همت کافی معمول بدارند) و به دنبال یکسان سازی نرخ ارز در سال ۷۲، میزان صادرات بخش صنعت افزایش قابل توجهی بیابد.

۵- واردات

در بررسی واردات، ابتدایه سیاستهای بازرگانی خارجی طی سالهای مختلف اشاره می‌شود و سپس اقلام واردات و ترکیب کالاهای وارداتی (واسطه‌ای، مصرفی و سرمایه‌ای) مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس درخصوص دستیابی به اهداف برنامه، تحلیل‌های مربوطه انجام خواهد شد.

چنانچه درجدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود، واردات گمرکی کشور در سال ۶۱ بالغ بر ۱۱/۸ میلیارد دلار بوده که به دلیل سیاست دولت درجهت ارتقاء سطح تولید و گسترش و رشد واحدهای تولیدی، سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای درکل واردات افزایش یافته و به ۱۹/۵ درصد رسیده است (این سهم در سال ۱۳۶۰ بالغ بر ۱۶ درصد بوده است). ازطرفی دیگر، به علت ادامه سیاست تجدید کالاهای مصرفی و غیرضروری و نیز به علت سهمیه‌بندی

می‌باشیم و حال آن که دربخش کشاورزی شاهد ۱۰۱/۵ درصد رشد نسبت به اهداف برنامه هستیم. لذا به نظر می‌رسد درخصوص جهت‌گیری صادرات ازبخش صنعتی به بخش کشاورزی، بایستی تدابیری اندیشیده شود، چرا که صادرات سنتی و کشاورزی کشور از مزیت بیشتری نسبت به بخش صنعت برخوردار می‌باشد.

درمورد عملکرد سال ۱۳۷۰ گرچه ریز اقلام صادرات برای تمامی بخش‌ها در دست نیست، اما درخصوص عملکرد صادرات فرش، شاهد رشد چشمگیری بوده‌ایم، به طوری که نسبت به سال قبل ۱۳۷/۷ درصد رشد داشته است و از رقم پیش‌بینی شده در برنامه نیز ۳۷/۱ درصد بیشتر تحقق یافته که نشانگر تاثیر مثبت سیاستهای جدید بر رشد صادرات آن می‌باشد.

در مجموع صادرات غیرنفتی نسبت به رقم پیش‌بینی شده در سال ۱۳۷۰ ازعدم تحقق کمتری برخوردار بوده است، به طوری که ۱۷ درصد کمتر ازاهداف برنامه تحقق یافته است. به طورکلی با توجه به عملکرد سه سال گذشته، درحدود ۵ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داشته‌ایم که باتوجه به هدف تعیین شده (۱۷/۷ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی در طی دوره)، دستیابی به این رقم باتوجه به واقعیات اقتصاد ایران و شرایط تولید و قیمت دربازارهای جهانی، کاملاً خوش‌بینانه است و لذا ضروری است

ارزی، سهم کالاهای مصرفی درکل واردات کاهش داشته و به ۲۲/۶ درصد محدود شده است.

به طورکلی واردات کالاهای سرمایه‌ای از ۲/۳ میلیارد دلار درسال ۱۳۶۱ به حدود ۴/۳ میلیارد دلار درسال ۱۳۶۲ افزایش یافته و سهم آن از ۱۹/۵ درصد به ۲۴ درصد افزایش یافته است. درسال ۶۲ جهت حمایت ازصنایع داخلی و توسعه صادرات غیرنفتی، اقداماتی، ازجمله تسهیل ورود مواد اولیه و واسطه‌ای جهت افزایش تولید و راه‌اندازی صنایع صورت گرفت. دراین سال واردات گمرکی به طور چشمگیری افزایش یافته و به ۱۸ میلیارد دلار رسید.

واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای با رشد ۵۸ درصد از ۶/۸ میلیارد دلار درسال ۱۳۶۱ به حدود ۱۰/۸ میلیارد دلار درسال ۱۳۶۲ افزایش پیدا کرد. دستیابی به این رقم باتوجه به واقعیات اقتصاد ایران و شرایط تولید و قیمت دربازارهای جهانی، کاملاً خوش‌بینانه است و لذا ضروری است که دربرنامه پنجساله بعدی به این واقعیات توجه داشت و سهم بیشتری را به بخش صادرات کشاورزی و سنتی واگذار نمود. اگرچه انتظار می‌رود با یکسان سازی نرخ ارز درسال آینده میزان صادرات بخش صنعت افزایش قابل توجهی یابد.

جدول شماره ۴ - واردات کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی طی سالهای ۷۰-۱۳۶۱ (میلیون دلار)

سال	واردات مواد اولیه و واسطه‌ای	واردات سرمایه‌ای	واردات مصرفی	جمع کل	سهم واردات مواد اولیه و واسطه‌ای	سهم واردات سرمایه‌ای	سهم واردات مصرفی
۱۳۶۱	۶۸۶۱	۲۳۰۸	۲۶۷۶	۱۱۸۴۵	۵۷/۹	۱۹/۵	۲۲/۶
۶۲	۱۰۸۴۰	۲۳۵۲	۲۹۱۱	۱۸۱۰۳	۵۹/۹	۲۴	۱۶/۱
۶۳	۸۳۱۰	۲۸۶۷	۲۳۱۷	۱۴۴۹۴	۵۷/۳	۲۶/۷	۱۶
۶۴	۷۴۱۱	۲۴۲۱	۱۵۷۶	۱۱۴۰۸	۶۵	۲۱/۲	۱۳/۸
۶۵	۵۴۶۱	۲۱۹۹	۱۶۹۵	۹۳۵۵	۵۸/۴	۲۳/۵	۱۸/۱
۶۶	۵۴۹۸	۲۲۰۹	۱۶۶۲	۹۳۶۹	۵۸/۷	۲۳/۶	۱۷/۷
۶۷	۴۸۲۹	۱۸۶۹	۱۴۷۹	۸۱۷۷	۵۹	۲۲/۹	۱۸/۱
۶۸	۷۵۴۸	۲۹۱۵	۲۳۴۴	۱۲۸۰۷	۵۸/۹	۲۲/۸	۱۸/۳
۶۹	۱۱۸۵۴	۲۳۶۳	۲۵۰۵	۱۸۷۲۲	۶۳/۳	۲۳/۳	۱۳/۴
۷۰				۲۷۴۴۵			

ماخذ: بانک مرکزی ج.ا.ا. گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف و اداره حسابهای اقتصادی

واردات کالاهای سرمایه‌ای به حدود ۴/۴ میلیارد دلار رسید. واردات کالاهای مصرفی در این سال دارای سهمی معادل ۱۶/۱ درصد بود.

در سال ۱۳۶۳ واردات گمرکی کشور به ۱۴/۵ میلیارد دلار بالغ شد که از لحاظ ارزش حدود ۲۰ درصد تنزل نشان می‌دهد. واردات کالاهای سرمایه‌ای از کاهش کمتری به میزان ۱۱/۱ درصد برخوردار شد و سهم کالاهای مصرفی ۲۰/۴ درصد کاهش پیدا کرد و ارزش آن به ۲/۳ میلیارد دلار تقلیل یافت. علت عمده کاهش واردات در سال ۱۳۶۳ همان طور که گفته شد سستی بازار جهانی نفت و کاهش صادرات و نیز کم شدن درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت است که باعث شد دولت اقدامات صرفه‌جویانه‌ای را در مورد واردات اعمال کند.

سال ۱۳۶۴ واردات گمرکی حدود ۲۱/۳ درصد کاهش یافت. کاهش واردات در این سال عمدتاً ناشی از کاهش واردات کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی است که به ترتیب با حدود ۳۷ درصد کاهش به ۲/۴ میلیارد دلار و ۱/۵۷ میلیارد دلار محدود شده است. واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای نیز در این سال با ۱۰/۸ درصد کاهش به ۷/۴ میلیارد دلار محدود شده است، لیکن سهم آن در کل واردات از ۵۷ درصد در سال ۱۳۶۳ به ۶۵ درصد در سال ۱۳۶۴ افزایش یافته است (جدول شماره ۴).

در سال ۶۵ حدود ۹/۳ میلیارد دلار کالا

به کشور وارد شد که حدود ۱۸ درصد نسبت به سال قبل کاهش نشان می‌دهد. کاهش واردات در این سال عمدتاً ناشی از کاهش واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سپس کالاهای سرمایه‌ای است که به ترتیب با حدود ۲۶/۳ درصد و ۹/۲ درصد کاهش به ۵/۴ میلیارد دلار و ۲/۲ میلیارد دلار رسید، ولی واردات کالاهای مصرفی نسبت به سال قبل حدود ۷/۵ درصد افزایش یافته و به ۱/۶۹ میلیارد دلار بالغ گردید. در واقع در سال مذکور به دلیل کاهش درآمدهای نفتی به کمتر از نصف سال قبل، میزان واردات نیز همراه با کاهش درآمدهای ارزی، کاهش قابل ملاحظه‌ای یافته است.

در سال ۶۶ حدود ۱۲/۵ میلیون تن کالا به کشور وارد شد که حدود ۸ درصد نسبت به سال قبل افزایش نشان می‌دهد، ولی از لحاظ ارزش میزان واردات تفاوت محسوسی نداشته و از رشدی کمتر از ۰/۲ درصد برخوردار بوده است.

افزایش واردات گمرکی در این سال عمدتاً ناشی از ورود کالاهای واسطه‌ای و مصرفی به کشور بوده است. این دو گروه کالا از نظر مقدار به ترتیب حدود ۳۹ درصد و ۱۷ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته است.

در سال ۱۳۶۷ با کاهش درآمدهای نفتی، واردات گمرکی حدود ۱۲/۷ درصد نسبت به سال قبل کاهش ارزش داشته که این امر عمدتاً ناشی از کاهش واردات مواد اولیه

واردات گمرکی کشور می‌باشیم که این افزایش عمدتاً به دلیل افزایش واردات مواد اولیه و واسطه‌ای به جهت ساختار وابسته اقتصاد کشور (به میزان ۵۷ درصد بوده است). اما در مقایسه با ارقام پیش‌بینی شده در برنامه، از آن جا که تقسیم‌بندی کالاهای در بخش واردات برنامه با ارقام عملکرد موجود کاملاً متفاوت است، لذا صرفاً در خصوص عملکرد واردات کالاهای اساسی و استراتژیک بحث خواهد شد.

وکالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به ترتیب حدود ۱۲/۱ درصد و ۱۵/۴ درصد می‌باشد. در سال ۱۳۶۸ با افزایش درآمدهای نفتی به میزان ۲۴/۴ درصد نسبت به سال قبل، واردات نیز از لحاظ ارزش ۵۶/۶ درصد رشد نشان می‌دهد که سهم عمده آن مربوط به افزایش واردات مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای مورد نیاز کارخانجات می‌باشد. همچنین در سال ۶۹ همراه با ۴۴/۹ درصد افزایش درآمدهای نفتی نسبت به سال قبل شاهد ۴۶/۱ درصد رشد در میزان ارزش

جدول شماره ۵ - اهداف کمی برنامه در زمینه واردات کالاهای اساسی و استراتژیک کشور در برنامه پنجساله (هزار دلار)

سال	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	جمع دوره برنامه
کالاهای اساسی*	۲۷۷۵۲۵۸	۲۱۴۵۷۳۶	۲۱۰۱۶۵۲	۲۰۰۸۹۴۸	۱۸۴۸۱۳۰	۱۰۸۷۹۷۲۲
آهن آلات	۴۴۰۰۰۰	۳۸۶۰۰۰	۱۳۷۴۰۰	۱۳۰۰۰۰	۸۰۰۰۰	۱۱۶۲۳۰۰
کاغذ	۲۹۷۰۰۰	۲۹۷۰۰۰	۲۸۰۰۰۰	۲۷۹۰۰۰	۲۶۳۰۰۰	۱۴۱۶۰۰۰
قطعات یدکی خودرو	۳۰۰۰۰۰	۳۱۰۰۰۰	۳۲۰۰۰۰	۳۲۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰	۱۶۰۰۰۰۰
انواع لاستیک خودروها	۲۰۰۰۰۰	۱۹۰۰۰۰	۱۸۰۰۰۰	۱۸۰۰۰۰	۱۴۵۰۰۰	۸۹۵۰۰۰
چوب	۲۴۰۰۰	۲۷۰۰۰	۳۱۵۰۰	۳۵۵۰۰	۴۰۰۰۰	۱۵۸۰۰۰
سیگار	۷۰۰۰۰	۷۰۰۰۰	۷۰۰۰۰	۷۰۰۰۰	۷۰۰۰۰	۳۵۰۰۰۰
مواد اولیه و واسطه برای فرش	۶۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	۵۴۰۰۰۰
سایر	۲۹۷۸۷۶	۲۸۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰	۱۴۱۷۸۷۶
جمع	۴۴۶۴۱۳۴	۳۸۲۵۷۳۶	۳۵۲۰۵۵۲	۳۴۲۳۴۴۸	۳۱۸۶۱۳۰	۱۸۴۲۰۰۰۰

* کالاهای اساسی شامل: گندم، برنج، شکر، گوشت فرمز، چای، روغن، پنیر و کره می‌باشد.
 ساخت: سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا،
 (۷۲-۱۳۶۸) ۱۳۶۹.

چوب و سیگار نیز به ترتیب ۳۶/۷ درصد و ۱۳/۶ درصد بیشتر نسبت به برنامه تحقق یافته است. البته از آنجا که ارقام عملکرد از ارقام مندرج در اسناد گشایش اعتبار استفاده شده است که با عملکرد واقعی متفاوت است، لذا نمی توان در خصوص موفقیت عملکرد دولت در خصوص واردات کالاهای اساسی اظهار نظر قطعی کرد. به عنوان مثال در مورد کالاهای اساسی، گرچه ظاهراً کاهش ۲۱/۷ درصدی در سال ۶۸ نسبت به برنامه وجود داشته، ولی این کاهش تا حدودی به دلیل تغییرات قیمت خرید کالاها نسبت به رقم پیش بینی شده است.

چنانچه در جدول شماره ۶ مشاهده می شود، واردات کالاهای اساسی و استراتژیک در سال ۶۸ بالغ بر ۲/۱ میلیارد دلار بوده است که در خصوص واردات کالاهای اساسی (شامل گندم، برنج، شکر، گوشت قرمز، چای، روغن، پنیر و کره) کمتر از رقم پیش بینی شده در برنامه بوده است و ۲۱/۷ درصد کمتر تحقق داشته است. در مقابل واردات آهن آلات به میزان قابل توجهی (۱۸۴ درصد) بیش از رقم پیش بینی شده تحقق یافته است.

در مورد واردات قطعات یدکی خودرو نیز در این سال شاهد ۶۱/۳ درصد مازاد تحقق نسبت به برنامه می باشیم. واردات

جدول شماره ۶ - مقایسه اهداف برنامه با عملکرد در زمینه واردات طی سالهای ۶۸ و ۶۹

(میلیون دلار)

سال	عملکرد ۶۸	برنامه ۶۸	درصد تحقق	عملکرد ۶۹	برنامه ۶۹	درصد تحقق
واردات کالاهای اساسی	۲۱۷۱	۲۷۷۵	-۲۱/۷	۲۱۱۸/۵	۲۱۲۵/۷	-۱/۳
واردات آهن آلات	۱۲۵۱	۲۴۰	+۱۸۴/۳	۷۲۹	۳۸۶	+۸۸/۸
واردات کاغذ	۳۰۱/۶	۲۹۷	+۱/۵	۲۵۵	۲۹۷	-۱۴/۱
واردات قطعات یدکی خودرو	۴۸۴	۳۰۰	+۶۱/۳	۳۷۳	۳۱۰	+۲۰/۳
واردات انواع لاستیک	۲۳۷/۷	۲۰۰	+۱۸/۹	۲۲۴	۱۹۰	+۱۷/۹
واردات چوب	۳۲/۸	۲۴	+۳۶/۷	۳۲	۲۷	+۱۸/۵
واردات سیگار	۷۹/۵	۷۰	+۱۳/۶	۹۷/۹	۷۰	+۳۹/۸
مواد اولیه و واسطه های برای فرش	۵	۶۰	-۹۱	۵/۳	۱۲۰	-۹۵/۶
سایر کالاها	۸۶۸۴	۲۹۷	+۲۸۲۳	۱۷۲۱۱/۳	۱۵۷۶۸/۳	+۹/۲
جمع	۱۳۲۲۶/۵	۲۴۶۴	+۱۹۶/۷	۲۱۰۴۶	۲۸۲۵	+۲۵۰

ماخذ: سازمان برنامه و بودجه معاونت امور اقتصادی گزارش اقتصادی سال ۶۸ آذرماه ۱۳۶۹ صفحه ۱۲۸.

گرچه واردات کل در سال ۶۹ نسبت به سال ۶۸ نزدیک به ۵۹ درصد افزایش داشته، اما واردات کالاهای اساسی و واردات آهن آلات در سال ۶۹ نسبت به سال ۶۸ به ترتیب ۲/۴ درصد و ۴۱/۷ درصد کاهش نشان می‌دهد و واردات قطعات یدکی خودرو نیز نزدیک به ۲۲/۹ درصد کاهش داشته است. به طور کلی ازمیان واردات کالاهای اساسی و استراتژیک به جز واردات سیگار و واردات مواد اولیه برای تولید فرش (به ترتیب با ۲۳/۱ درصد و ۶ درصد افزایش نسبت به سال ۶۸) بقیه کالاها با کاهش مواجه شده‌اند.

واردات کالاهای اساسی در سال ۶۹، ۱/۳ درصد کمتر از پیش‌بینی برنامه تحقق یافته است. همچنین بیشترین عدم تحقق در مورد واردات مواد اولیه و واسطه‌ای برای تولید فرش به چشم می‌خورد (۹۵/۶ درصد کمتر از برنامه). در حالی که واردات آهن آلات نسبت به برنامه حدود ۸۹ درصد بیشتر تحقق یافته است، ولی در مورد کاغذ، واردات، ۱۴/۱ درصد کمتر از رقم برنامه بوده است.

به طور کلی اکثر اقلام وارداتی در سال ۶۹ دارای عملکردی بیش از پیش‌بینی برنامه می‌باشند. واردات کالاهای اساسی در سال ۶۹ از لحاظ وزنی نسبت به پیش‌بینی برنامه ۳۲ درصد افزایش و از نظر ارزش ۱/۳ درصد کاهش نشان می‌دهد. عمده‌ترین تغییرات وزنی مربوط به گندم (۶۹ درصد افزایش)، و گوشت و کره به ترتیب ۳۴ درصد و ۶۱ درصد کاهش می‌باشد. روند واردات

کالاهای اساسی به خصوص گندم، ارتباط تنگاتنگی با تولید داخلی و افزایش واردات گندم در سال ۶۹ به دلیل عدم تحقق اهداف تولید داخلی است. کاهش واردات گوشت نیز مربوط به سیاستهای تحدیدی وارداتی دولت در زمینه حمایت از تولیدات داخلی بوده است.^۶

در مجموع چنانچه علل عدم تحقق برنامه را مورد بررسی قرار دهیم، می‌توان ادعا کرد که در زمینه صادرات غیرنفتی، تنها هدف صادرات کالاهای کشاورزی تحقق یافته که دلیل عمده آن توانایی نسبی در تولید و حضور در صحنه تجارت جهانی می‌باشد. در خصوص واردات که اکثر اقلام آن بیش از اهداف برنامه تحقق یافته است، علل عمده آن عبارت است از وابستگی زیاد به درآمدهای ارزی نفت و تحقق نسبی درآمدهای ارزی دولت، اعمال برخی سیاستهای تسهیلی دولت (ورود آهن آلات بدون انتقال ارز) و ... می‌باشد. بخش صادرات غیرنفتی با عدم تحقق قابل توجهی مواجه بوده است که عمده‌ترین دلایل آن، وجود مشکلاتی است که گریبانگیر بخش می‌باشد این مشکلات به طور خلاصه عبارتند از:

- خوشبینانه بودن اهداف صادرات غیرنفتی نسبت به ساختار اقتصادی به طور اعم و بخش صنعت به طور اخص.

۶ - سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور اقتصادی، دفتر اقتصاد کلان، گزارش اقتصادی سال ۶۹ صفحه ۱۲۱.

تشدید مشکلات قیمت‌گذاری
گردیده است.

- فراهم نمودن تسهیلات اعتباری
ارزان و تسهیلات در زمینه حمل و
نقل کالاهای صادراتی.

- عدم وجود برنامه مدون و تعیین
حدود مسئولیت بخشهای مختلف
صنعتی در تولید و صدور کالاهای
صنعتی و دراین رابطه عدم
اختصاص بخشی از تولید داخلی
برای صدور.

- افزایش هزینه‌های واحدهای تولیدی
ناشی از تامین مواد اولیه با نرخ ارز
شناور و مشکلات مربوط به چند
نرخ بودن نرخ ارز.

جدول زیر میزان واردات و اجزاء آن را
برحسب کالاهای اساسی، استراتژیک و
سایر کالاها نشان می‌دهد. ماخذ این جدول
گزارش پس از چهار سال منتشره از سوی
وزارت ارشاد اسلامی است. در این جا
یکبار دیگر تفاوت در آمارهای منتشره
از سوی مراکز رسمی کشور مشهود می‌گردد.

- عدم موفقیت سیاست صادرات از
طریق قراردادهای «بای‌بک» در
بخش صنعت بدلیل ضعف‌های
موجود در قراردادهای بای بک و
عدم اطمینان به نتایج صنعتی و
صادراتی آنها.

- عدم اجرای به موقع برخی از سیاستها
و فعالیتهای مسرثر بر صادرات
غیرنفتی درسالهای اول و دوم
برنامه از جمله تاسیس صندوق
ضمانت صادرات.

- جذب بخشی از تولیدات قابل صدور
به تقاضای داخلی به دلیل تورم
داخلی و سودآور بودن عرضه کالا
در بازار داخلی.

- عدم تحقق برنامه بخشهای تولیدی و
تاثیر منفی این امر بر روی صادرات
و واردات.

- تعدد شرکتهای سازمانهای واردکننده.
- محدود بودن تقاضای جهانی برای
محصولات غیرنفتی (کشاورزی و
سنتی) و وجود رقبا در صحنه بازار
بین‌المللی.

- چند نرخ بودن نرخ ارز که موجب

میزان واردات در مقایسه با اهداف برنامه

عنوان هدف	شاخص ارزیابی	واحد اندازه گیری	سال ۱۳۶۸			سال ۱۳۶۹		
			برنامه عملکرد درصد تحقق	برنامه عملکرد درصد تحقق	برنامه عملکرد درصد تحقق	برنامه عملکرد درصد تحقق	برنامه عملکرد درصد تحقق	
اصلاح	کالاهای وارداتی	میلیون دلار	۱۵۶۱۱	۱۳۲۴۶	۸۵	۱۹۵۹۸	۱۸۰۲۴	۹۲
ترکیب و ساختار	کالاهای اساسی	" "	۲۷۷۵	۲۱۷۱	۷۸	۲۱۴۶	۱۸۲۵	۸۵
	کالاهای استراتژیک	" "	۱۶۸۹	۲۳۹۱	۱۴۲	۱۶۸۰	۴۴۱۸	۲۶۳
واردات	سایر کالاها	" "	۱۱۱۴۷	۸۶۸۲	۷۸	۱۵۷۷۲	۱۱۷۸۱	۷۵

میزان واردات در مقایسه با اهداف برنامه

عنوان هدف هدف	شاخص ارزیابی	سال ۱۳۷۰		سال ۱۳۷۱		متوسط رشد چهارسال اول (درصد)	عملکرد
		برنامه عملکرد درصد تحقق	برنامه عملکرد درصد تحقق	برنامه عملکرد درصد تحقق	برنامه عملکرد درصد تحقق		
اصلاح	کالاهای وارداتی	۲۰۱۹۹	۲۷۸۳۴	۱۹۸۲۴	۱۹۳۴۳	۲۵/۱	۸۱۱۳
ترکیب و ساختار	کالاهای اساسی	۲۱۰۲	۱۹۳۴	۲۰۰۹	۱۱۰۳	۱۸/۷	۱۰۱۲/۶
	کالاهای استراتژیک	۱۴۱۹	۷۰۱۰	۱۴۱۴	۳۸۸۸	-۴/۳	۱۶۸۴
واردات	سایر کالاها	۱۶۶۷۸	۱۸۸۹۰	۱۶۶۲۱	۱۴۳۵۲	۳۲	۵۴۱۶/۴

مأخذ: گزارش پس از چهارسال (عملکرد چهارساله دولت)، منتشره از سوی وزارت ارشاد اسلامی اردیبهشت سال ۱۳۷۲

۶- نگاهی به تحولات سرمایه و تراز سرمایه

باتوجه به این که عامل سرمایه در جریان رشد اقتصادی کشورها نقش عمده‌ای را ایفا می‌نماید و اقتصاددانان آنرا موتور رشد و توسعه می‌دانند، وقوع برخی علل طی چند دهه اخیر، باعث شده میزان قابل ملاحظه‌ای از سرمایه کشورهای در حال توسعه به کشورهای صنعتی (مکانهای امن) انتقال یابند و به تعاقب وقوع چنین پدیده غیرمالی، مفهوم فرار سرمایه از کشورهای در حال توسعه مطرح گشته است.

دریک تعریف کلی، همه جریانات خروج سرمایه خصوصی از کشورهای در حال توسعه اعم از کوتاه مدت یا بلندمدت و این که به صورت سرمایه گذاری مستقیم باشد یا سرمایه گذاری در اوراق بهادار، به عنوان فرار سرمایه تعریف می‌شود. علت اطلاق واژه فرار به این جریانات خروج سرمایه خصوصی، این است که کشورهای در حال توسعه معمولاً از نظر سرمایه فقیر هستند و در فرآیند توسعه قرض گیرندگان خالص بوده و همچنین شرایط ناامن سیاسی و اقتصادی این کشورها در امر فرار سرمایه موثر بوده است.

نکته قابل توجه آن است که اکثر محققان فرار سرمایه را با بدهی‌های خارجی مرتبط دانسته و نتیجه گرفته‌اند که بدهی‌های خارجی تا حد زیادی جهت تامین مالی فرار

سرمایه به کار رفته است. مطالعات موجود نشان می‌دهند که دولتها نتوانسته‌اند به موازات ایجاد فضای مناسب جهت جلب سرمایه‌های خارجی، اقداماتی نیز برای حفظ سرمایه‌های داخلی کشور و منع از فرار آنها به خارج به عمل آورند و به قول معروف اول باید سرمایه‌های موجود را حفظ کرد و سپس درصدد جذب سرمایه‌های خارجی برآمد. لذا استفاده از استقراض خارجی تنها در صورتی توصیه می‌شود که دولت بتواند اقداماتی را جهت حفظ سرمایه‌های موجود کشور و منع فرار آنها به خارج و نیز بازگرداندن سرمایه‌های گریخته قبلی به عمل آورد. این امر حتی در مورد سرمایه‌های انسانی نیز مصداق دارد. باتوجه به اینکه طی سالهای پس از انقلاب اسلامی نیز این پدیده در اقتصاد ایران وجود داشته، بنابراین جا دارد به طور علمی و مستدل به ابعاد این مسأله توجه داشت. از آن جایی که در برنامه پنجساله هیچ‌گونه پیش‌بینی در خصوص تحولات حساب سرمایه در سالهای آتی به عمل نیامده است، لذا صرفاً به بررسی روند گذشته می‌پردازیم و از مقایسه این روند با اهداف برنامه معذوریم.

۱-۶- مروری بر حساب سرمایه در تراز پرداختها و جریان آن

حساب تراز پرداختهای یک کشور کلیه معاملات اقتصادی آن کشور را با بقیه

کرد و هر روز بر اهمیت آن افزوده شد. مخصوصاً بعد از سال ۱۹۸۰ که بحران بدهیها شدت گرفت و همچنین سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار اهمیت ویژه‌ای یافت، تجزیه و تحلیل حساب سرمایه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار گردید.

۲-۶-۲- تحلیلی بر حساب سرمایه (بحث نظری)

حساب سرمایه خالص، تغییرات در دارائیه‌ها و بدهیهای مالی بین‌المللی یک کشور را در طول دوره تراز پرداختها ثبت می‌نماید. به عبارت دیگر حساب سرمایه حسابی است که تغییرات و انتقال سرمایه بین کشورها را اندازه‌گیری می‌نماید. معاملات سرمایه را می‌توان بر حسب سررسید آن به کوتاه مدت و بلندمدت تقسیم نمود. جریان سرمایه‌های بین‌المللی بلندمدت به معاملاتی مربوط می‌شود که سررسید آنها یک سال یا بیشتر است و شامل سرمایه‌گذاریهای مستقیم، سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار و وامهای بین‌المللی برای مدت یک سال یا بیشتر می‌شود. جریان سرمایه‌ای بین‌المللی کوتاه مدت به معاملاتی مربوط می‌شود که سررسید آنها یک سال یا کمتر است. معاملات سرمایه چه کوتاه مدت باشد، چه بلندمدت و خواه به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم باشد یا سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار، به جریان ورود و خروج سرمایه تقسیم می‌شود.

کشورهای جهان در طول یک دوره معین (عموماً یک سال مالی) به طور منظم مثبت می‌نماید. این حساب خود به دو حساب اصلی تقسیم می‌گردد: ۱- حساب جاری که جریان کالاها و خدمات و پرداختهای انتقالی کشور را نشان می‌دهد ۲- حساب سرمایه که جریان بین‌المللی سرمایه‌گذاریها و وامها را معلوم می‌کند.

تمام معاملات اقتصادی کشور که به دریافت وجوه از خارجیان می‌انجامد، درستون بستانکار و با علامت (+) در حساب جاری یا در حساب سرمایه تراز پرداختها ثبت می‌شود. از سوی دیگر کلیه فعالیتهای اقتصادی که به پرداخت وجوه به خارجیان منتهی می‌شود، به عنوان بدهی با علامت (-) در حساب جاری یا سرمایه ثبت می‌شود.

حساب سرمایه و تجزیه و تحلیل آن تا قبل از جنگ جهانی دوم، از اهمیت زیادی برخوردار نبود و در عوض، این حساب جاری بود که تجزیه و تحلیل آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. علت این امر به شکل روابط اقتصادی بین کشورها برمی‌گردد. قبل از جنگ جهانی دوم، شکل عمده روابط اقتصادی بین کشورها تجارت خارجی یعنی صدور کالاها بوده و بدین لحاظ تجزیه و تحلیل حساب جاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. اما بعد از جنگ جهانی دوم که قدرتهای انحصاری به دلیل تراکم بیش از حد سرمایه، صدور سرمایه را جایگزین مرحله صدور کالاها نمودند، تجزیه و تحلیل حساب سرمایه اهمیت خاصی پیدا

محاسبات ورودی و خروجی

می‌تواند واردکننده سرمایه باشد که در حساب‌های تراز پرداختها کسری داشته باشد، یعنی $X < M$ باشد. مطلب فوق حلقه و پیوند بین حساب جاری و حساب سرمایه را نشان می‌دهد و بیان می‌کند که چگونه کشوری که دارای مازاد حساب‌های جاری است به عنوان صادرکننده سرمایه مطرح می‌گردد و چگونه ورود سرمایه به سمت کشوری است که دارای کسری حساب‌های جاری می‌باشد.

اما سؤال مورد بحث این است که چرا انتقال سرمایه صورت می‌گیرد و علل و انگیزه‌های آن چیست؟ اصولاً علل و انگیزه‌های انتقال سرمایه بین کشورهای مختلف همانند علل و انگیزه‌های انتقال سرمایه بین بازارهای مختلف در داخل یک کشور می‌باشند. این علل و انگیزه‌ها را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

الف) اختلاف نرخ بهره: با فرض ثبات سایر متغیرها، شاید بتوان بدیهی‌ترین عامل انتقال سرمایه را تفاوت نرخهای بهره دانست. انتقال سرمایه در سطح بین‌المللی به اختلاف بین سطح نرخهای بهره داخلی و خارجی بستگی دارد و در نتیجه خالص جریان خروج سرمایه از کشور (F) نیز بستگی به تفاوت نرخ بهره داخلی (r_d) و نرخ بهره خارجی (r_f) دارد.

$$F = (r_d - r_f)$$

جریان ورود سرمایه هنگامی اتفاق می‌افتد که دارائیهای مالی بین‌المللی ساکنین افزایش یابد یا بدهیهای مالی بین‌المللی ساکنین کاهش یابد. برعکس، جریان خروج سرمایه هنگامی اتفاق می‌افتد که مطالبات مالی ساکنین از خارجیان کاهش یافته، یا بدهیهای پرداختنی به خارجیان کاهش یابد. لذا جریان خروج سرمایه به عنوان یک بدهی در حساب سرمایه وارد می‌شود. لذا خالص جریان سرمایه را می‌توان به صورت زیر تعریف نمود:

کل جریان وارد - کل جریان خارج = خالص جریان شده سرمایه - شده سرمایه

بنابراین می‌توان معادله تراز پرداختها را به صورت زیر تعریف نمود:

$$B = (X-M) - F$$

B موازنه تراز پرداختها، (X-M) خالص حساب جاری و F خالص جریان خروج سرمایه می‌باشد. موقعی تراز پرداختها در تعادل است که $B = 0$ باشد یعنی $(X-M) = F$ باشد. در صورتیکه $B < 0$ باشد با کسری تراز پرداختها و در صورتیکه $B > 0$ باشد، با مازاد تراز پرداختها مواجه هستیم. به عبارتی زمانی یک کشور می‌تواند صادرکننده سرمایه باشد که در حساب جاری تراز پرداختها مازاد داشته باشد، یعنی $X > M$ باشد و از طرف دیگر هنگامی کشور

در کشورهای در حال توسعه با ریسک نسبتاً بالایی همراه است، در حالی که این ریسک در کشورهای توسعه یافته کمتر است. در واقع بیشتر کشورهای در حال توسعه فاقد ثبات سیاسی لازم می‌باشند و لذا اقدام به سرمایه‌گذاریهای بلندمدت خطری است که افراد یا شرکتهای خصوصی قادر به تحمل آن نیستند. به علاوه در کشورهای در حال توسعه خطر مصادره و سلب مالکیت وجود دارد.

د) عامل سود و بازدهی: شاید اصلی‌ترین عاملی که در انتقال سرمایه باید به آن توجه شود، بازدهی انتظاری است. وام‌دهندگان در بازار سرمایه داخلی اغلب درمی‌یابند که قرض‌گیرندگان در کشورهای خارجی نرخهای بازدهی بالاتری را نسبت به قرض‌گیرندگان داخلی حتی با میزان ریسک یکسان پیشنهاد می‌کنند. به طور مشابه قرض‌گیرندگان در بازار سرمایه داخلی، اغلب درمی‌یابند که سرمایه‌ها در نرخهای عقلایی‌تر و قابل قبول‌تری در کشورهای خارجی در دسترس هستند. این زیرمجموعه از معاملات به طور طبیعی آن چه را که اصطلاحاً بازار مالی بین‌المللی نامیده می‌شود را به وجود می‌آورد و انتقال بین‌المللی سرمایه‌های متناسب به این معاملات را اصطلاحاً حرکات بین‌المللی سرمایه می‌نامند. هر کشور می‌کوشد سرمایه را به مالکیتی صادر کند که سرمایه‌گذاری در آن سودآورتر است. سرمایه به کشوری انتقال می‌یابد که دارای نرخ سود بالاتری

باتوجه به اینکه r_f یک عامل خارجی است و تحت کنترل نمی‌باشد، می‌توان آنرا ثابت فرض نمود بنابراین:

$$F = f(r_f)$$

چنانچه نرخ بهره داخلی افزایش یابد، خالص جریان خروج سرمایه کاهش خواهد یافت و بالعکس:

ب) عامل مالیات: یکی از عواملی که در نقل و انتقالات سرمایه بین کشورهای مختلف مدنظر سرمایه‌گذاران می‌باشد، مالیات است چراکه سرمایه‌گذاران بیشتر به درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری بعد از کسر مالیات توجه دارند، تا درآمد مطلق. لذا بعضی از کشورها برای جلوگیری از مالیات مضاعف و تشویق سرمایه‌گذاریهای خارجی، قراردادهای دوجانبه منعقد می‌نمایند که به موجب آن هر یک از کشورهای طرف قرارداد از حق خود در مورد وضع مالیات نسبت به درآمدهای تحصیل شده در کشورهای دیگر صرف نظر می‌کند. به طور خلاصه مالیات در یک کشور مخصوصاً مالیات پردرآمد، انگیزه ورود سرمایه به آن کشور را کاهش و انگیزه صدور سرمایه را افزایش می‌دهد و این باعث افزایش F و کسری تراز پرداختها می‌گردد.

ج) عامل ریسک: یکی از عوامل مهمی که سرمایه‌گذاران در تعیین محل سرمایه‌گذاری به آن توجه خاصی دارند، مسأله ریسک یا خطر می‌باشد. مطالعات بین‌المللی انجام شده نشان می‌دهد که سرمایه‌گذارها

سود بیشتر، کشورهای توسعه یافته به جای اینکه مواد اولیه و معدنی را از کشورهای درحال توسعه وارد و سپس بعد از تولید کالا، آنرا به کشورهای درحال توسعه صادر کنند، اقدام به صدور سرمایه می‌کنند. این مطلب عموماً برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صادق می‌باشد. به طور خلاصه حمایت از صنایع داخلی با اتکاء به وضع حقوق و عوارض گمرکی در یک کشور، صدور سرمایه از آن کشور را افزایش و ورود آنرا کاهش می‌دهد. این عمل باعث به وجود آمدن کسری تراز پرداختها یا محو مازاد آن در کشوری که از صنایع داخلی حمایت نموده می‌گردد.

(و) تغییرات قیمتهای داخلی و نرخ ارز: به طور کلی در فرایند توسعه عدم تناسب بین حجم پول در گردش و حجم کالاها و خدمات، موجب اختلال در اقتصاد شده و بازار پول، کالاها، عوامل تولید و غیره را از حالت تعادل خارج می‌کند. تقاضای مازاد در بازار کالاها و عوامل تولید، باعث افزایش قیمتها شده، مسأله تورم را به وجود می‌آورد. ترقی دائمی قیمتها باعث کاهش ارزش دارائیهای داخلی می‌گردد و لذا ساکنین داخلی ترجیح می‌دهند ترکیب بهینه دارائیهای خود را به نفع دارائیهای خارجی تغییر دهند. به عبارت دیگر تورم در یک کشور باعث صدور سرمایه از آن کشور می‌شود. این گرایش به دلیل ترس از تقلیل

باشد و از آن جا که کشورهای درحال توسعه دارای نیروی کار فراوان، مواد اولیه ارزان قیمت و بازارهای مصرفی اشباع نشده بوده و هستند، سرمایه به این کشورها انتقال یافته است و این کشورها به عنوان واردکنندگان سرمایه به حساب آمده‌اند. عوامل فوق همگی باعث کاهش هزینه تولید شده، ضمن اینکه نرخ بازدهی در کشورهای درحال توسعه نسبتاً بالا می‌باشد، این شرایط در واقع انگیزه اصلی سرمایه‌گذاری و انتقال سرمایه از سوی کشورهای صنعتی به کشورهای درحال توسعه شده است.

ه) حمایت از صنایع: هنگامی که کالاهای خارجی مشابه با قیمت ارزاتر و کیفیت بهتر وارد یک کشور میشوند، صنایعی که همان کالاها را در داخل تولید می‌کنند، به دلیل نوپا و پرهزینه بودن، قدرت رقابت با کالاهای خارجی را از دست داده و رو به نابودی می‌گذارند. در این شرایط دولتها جهت حمایت از صنایع داخلی به ویژه صنایع نوزاد، اقدام به وضع عوارض و حقوق گمرکی بر روی کالاهای خارجی می‌نمایند. به طور کلی یکی از اهداف صدور سرمایه اجتناب از عوارض و حقوق گمرکی بالاست، زیرا اصولاً در کشورهای توسعه یافته، به مواد اولیه و معدنی کشورهای درحال توسعه نیازمندند و لذا باید آنها را از خارج وارد کنند. بنابراین در جهت کسب

منطقی به نظر می‌رسد. کنترل‌های ارزی، کنترل‌های سرمایه، ممنوعیت قانونی بعضی فعالیت‌ها و کالاها که بر روی بازار سرمایه، ارز خارجی و بازار کالاها وضع می‌شوند، به دلیل این که از این کنترلها و ممنوعیت‌ها می‌توان سرپیچی نمود، اکثراً باعث فرار سرمایه گردیده‌اند.

عوامل ساختاری دیگری که ممکن است ساکنین داخلی را به سرمایه‌گذاری در خارج تشویق کنند، شامل پائین بودن هزینه فرصت در بازار سهام داخلی و فقدان کامل بیمه سپرده بر روی داراییهای نگهداشته شده در سیستم بانکی می‌باشد. این عوامل سرمایه‌گذارهای داخلی را پرخطرتر از سرمایه‌گذاری بر روی داراییهای خارجی ساخته و لذا ساکنین داخلی به خاطر ترس از زیان ترجیح می‌دهند، داراییهای خارجی را جایگزین داراییهای داخلی کنند، یعنی فرار سرمایه اتفاق می‌افتد.

ح) علل سیاسی: علل سیاسی فرار سرمایه را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود (۱) علل سیاسی داخلی (۲) علل سیاسی خارجی. علل سیاسی داخلی مانند جنگ، کودتا، بی‌ثباتی سیاسی و غیره، همگی باعث نااطمینانی محیط سرمایه‌گذاری داخلی شده و در نتیجه باعث می‌گردد ساکنین، داراییهای خارجی را به داراییهای داخلی ترجیح دهند و لذا فرار سرمایه اتفاق بیافتد.

ط) علل خارجی: در حالی که تقریباً همه

ارزش داراییها می‌باشد.

یکی دیگر از عواملی که جریان ورود و خروج سرمایه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تغییرات در نرخ ارز خارجی است. افزایش در قیمت ارز خارجی (تقویت نرخ ارز) به هر دلیلی که باشد، با کاهش در ارزش پول داخلی معادل است و لذا باعث کاهش ارزش داراییهای داخلی می‌گردد. اتباع داخلی جهت اجتناب از کاهش ارزش داراییهایشان، داراییهای خارجی را جایگزین داراییهای داخلی می‌نمایند. در نتیجه تقویت نرخ ارز باعث جریان خروج سرمایه می‌گردد. از طرفی دیگر کاهش در قیمت ارز خارجی (تضعیف نرخ ارز) که معادل افزایش در ارزش پول داخلی است، اثرات معکوسی بر جریان سرمایه خواهد داشت. به عبارتی تضعیف نرخ ارز جریان ورود سرمایه به کشور را تشویق خواهد نمود.

ز) قوانین و مقررات: محدودیتها و مقرراتی که دولتها بر روی بازارهای مالی و داخلی و بازارهای ارز خارجی وضع می‌نمایند، یکی دیگر از علل فرار سرمایه محسوب می‌گردد. در تعدادی از کشورهای در حال توسعه، کنترل‌های وسیعی بر نرخهای بهره، اعتبار و سایر جنبه‌های بازار مالی که نتیجه آن پائین بودن نرخ بهره اسمی است در مقایسه با وسایل تامین مالی خارجی وضع می‌نمایند. به وضوح در چنین موقعیت‌هایی برای سرمایه‌گذار داخلی طلب کردن داراییهای خارجی، که بازدهیهای بالاتری را حاصل می‌کنند، عقلایی و

ارز به واسطه امیدواری از آینده است. از طرف دیگر چنانچه قبلاً اشاره شد، تضعیف ارزش پول داخلی، وضع کنترل‌های ارزی، عدم ثبات سیاسی یا جنگ در یک کشور باعث می‌گردد ساکنین داخلی و خارجی کشور مورد نظر، دارائیهای خود را به کشور یا کشورهایی که دارای امنیت بیشتر هستند، انتقال دهند. این همان فرار سرمایه است که می‌تواند به طور جدی پول کشور مورد نظر را تضعیف نماید. ساکنین داخلی و خارجی کشور مورد نظر جهت انتقال دارائیهای خود می‌بایست در بازار ارز خارجی، آنها را به ارز تبدیل نمایند. لذا تقاضا برای ارز افزایش خواهد یافت و این منجر به تضعیف ارزش پول رایج کشور مورد نظر خواهد شد. این امر به نوبه خود فرار سرمایه را تشدید کرده و تشدید فرار سرمایه، تضعیف بیشتر ارزش پول را موجب می‌گردد و در نتیجه این سیکل هم‌چنان ادامه خواهد یافت.

همان‌گونه که ذکر شد، راههای فرار سرمایه در مواردی نتیجه سیاستهای داخلی و در موارد دیگر، نتیجه سیاستهای دیگر کشورها می‌باشد. راههای احتمالی فرار سرمایه از ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. قاچاق ارز، طلا و کالاهای قیمتی، عمده‌ترین راههای احتمالی فرار سرمایه در ایران محسوب می‌شوند که در سالهای مختلف با شدت و ضعف همراه بوده است. در این قسمت ابتدا به بررسی تحولات

توجه در مباحث فرار سرمایه به عدم وجود انگیزه در کشورهای در حال توسعه در مورد نگهداری سرمایه در داخل معطوف شده است، در زمان مشابه در کشورهای صنعتی میزبان، محرکهایی وجود دارند که جریانات خروج سرمایه از کشورهای در حال توسعه را تشویق می‌نمایند. برای مثال می‌توان از مقررات اوراق قرضه ارزان بدون ریسک، بیمه سپرده‌ها که سوبسید جالب توجهی را برای سرمایه‌گذاران غیربومی فراهم می‌نماید و ... نام برد. در کشورهای معینی رازداری و فاش نکردن اسرار حسابهای بانکی، معاملات غیرقانونی و فرار مالیاتی نیز عوامل موثری در وارد کردن جریان سرمایه به کشورهای توسعه یافته می‌باشد.

ی) فرار سرمایه و سفته‌بازی: انگیزه نگهداری ارز (همانند نظریه کینز در مورد انگیزه‌های نگهداری پول) به انگیزه‌های معاملاتی، احتیاطی و سفته‌بازی تقسیم می‌شود. برای اهداف سفته‌بازی فرض کنید که یک موقعیت باز در بازار ارز خارجی به قصد ایجاد سودهای بادآورده از نوسانات نرخ ارز وجود دارد. وقتی سفته‌بازان تصور می‌کنند که نرخ ارز پول رایج به مقدار مشخصی در آینده نزدیک افزایش خواهد یافت، اقدام به خرید آن پول می‌نمایند، و این عمل را با این هدف که در آینده با فروش آن سود کسب نمایند، انجام می‌دهند. بنابراین انگیزه تقاضای سفته‌بازی

حساب سرمایه طی سالهای ۷۰-۱۳۶۱ می‌پردازیم و سپس مسأله فرار سرمایه درایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۶- تحولات حساب سرمایه

در سال ۱۳۶۱، دریافت‌های سرمایه‌ای معادل ۷۱/۷ درصد کاهش نشان داد و به ۳۰۹ میلیون دلار محدود گردید. در مقابل، پرداخت‌های سرمایه‌ای با رشد فوق‌العاده‌ای در حدود ۵۸۵ درصد نسبت به سال قبل معادل ۵۴۹۳ میلیون دلار شد. بدین ترتیب خالص حساب سرمایه موازنه ارزی کشور که در سال قبل دارای مازادی حدود ۲۸۹ میلیون دلار بود، در این دوره کسری معادل ۵۱۸۴ میلیون دلار پیدا کرد. دریافت‌های ارزی سرمایه‌ای نسبت به سال قبل ۷۱ درصد کاهش یافت که عمدتاً ناشی از کاهش برگشت اصل وام و سرمایه ازخارج بود و پرداخت‌های سرمایه‌ای با رشد فوق‌العاده ۵۸۵ درصد به ۵۴۹۳ میلیون دلار رسید. افزایش بسیار زیاد پرداخت‌های سرمایه‌ای در سال ۱۳۶۱ مربوط به بازپرداخت اصل وامها و اعتبارات دریافتی شرکتها و موسسات ایرانی ازخارج بود که براساس بیانیه الجزایر توسط بانک مرکزی پرداخت گردید.

در سال ۱۳۶۲ دریافت‌های سرمایه‌ای بیش از ۷۷۵ درصد رشد یافت و به ۲۷۰۴/۸ میلیون دلار رسید. در مقابل پرداخت‌های سرمایه‌ای با کاهش شدیدی بیش از ۸۸ درصد نسبت به دوره مشابه سال قبل به ۶۳۹/۴ میلیون دلار محدود گردید.

بدین ترتیب خالص حساب سرمایه موازنه ارزی کشور که در دوره مشابه سال قبل معادل ۵۱۸۴ میلیون دلار کسری داشت، در این دوره معادل ۲۰۶۵/۴ میلیون دلار مازاد پیدا کرد. حدود ۲/۳ میلیارد دلار از دریافت‌های سرمایه‌ای در سال ۱۳۶۲ مربوط به دریافت‌های ارزی بانک مرکزی بابت بیانیه الجزایر (برگشت اصل سرمایه ازخارج) بوده است. همچنین پرداخت‌های ارزی سرمایه‌ای با کاهش معنابهی حدود ۸۸ درصد نسبت به سال قبل مواجه گردید. این کاهش عمدتاً مربوط به کاهش شدید بازپرداخت اصل وام و اعتبارات دریافتی دولت ازخارج بود. این رقم که در سال قبل به علت واریز قبیل از سررسید قسمتی از وامهایی که شرط مناسب نداشتند، حدود ۵/۴ میلیارد دلار بوده در سال ۶۲ با بیش از ۹۰ درصد کاهش به حدود ۵۲۰ میلیون دلار محدود گردید. خالص حساب سرمایه در سال ۱۳۶۳ حدود ۴۲۱ میلیون دلار کسری نشان داد، در حالی که در سال ۱۳۶۲ خالص حساب مذکور حدود ۲ میلیارد دلار مازاد داشت. دریافت‌های سرمایه‌ای در این سال ۹۴/۹ درصد نسبت به سال قبل کاهش و از ۲/۷ میلیارد دلار به ۱۳۹ میلیون دلار رسید. این کاهش عمدتاً ناشی از تنزل میزان برگشت اصل وام و سرمایه ازخارج معادل ۹۵/۳ درصد بود. همچنین استفاده دولت از وامها و اعتبارات خارجی با ۸۰/۳ درصد کاهش

۱ - بانک مرکزی ج.ا. گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۱

۲ - بانک مرکزی ج.ا. گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۲

مجلس ویرانه‌دو

سرمایه‌ای با ۵۳/۷ درصد رشد از ۱۳۹ میلیون دلار به ۲۱۴ میلیون دلار رسید. افزایش برگشت اصل وام و سرمایه ازخارج به میزان (۶۸ درصد) عامل رشد دریافت‌های سرمایه‌ای طی سال مذکور بود. درمقابل استفاده دولت از وامها و اعتبارات خارجی با ۴۸/۵ درصد کاهش به حدود ۹ میلیون دلار محدود شد. درسال مذکور پرداخت‌های سرمایه‌ای با ۳۳/۱ درصد کاهش به حدود ۳۷۵ میلیون دلار تنزل یافت. دراین سال

از حدود ۸۷ میلیون دلار به ۱۷ میلیون دلار کاهش یافت. دراین سال پرداخت‌های سرمایه‌ای با ۱۲/۴ درصد کاهش به ۵۶۰/۴ میلیون دلار تنزل یافت. درسال مذکور بازپرداخت اصل وامها و اعتبارات خارجی معادل ۱۴/۵ درصد کاهش نشان داد و همچنین خروج وام و سرمایه خصوصی خارجی حدود ۴ درصد نسبت به سال ۱۳۶۲ کاهش یافت و به حدود ۱۱۵ میلیون دلار محدود شد.^۳ درسال ۱۳۶۴، دریافت‌های

جدول شماره ۷ - تراز جاری، تراز پرداختها و موازنه ارزی کل طی سالهای ۷۰-۱۳۶۱ (میلیون دلار)

سال	تراز جاری (کالاها و خدمات)	حساب سرمایه	موازنه ارزی کل	تعدیلات مربوط به نرخ ارز (معاملات ثبت نشده)
۱۳۶۱	۶۵۵۱/۸	-۵۱۸۴	۱۳۰۴/۶	-۶۳/۲
۶۲	-۲۱۱۵/۶	۲۰۶۵/۴	-۵۸۴/۵	-۵۳۴/۳
۶۳	-۷۰۲/۸	-۴۲۱/۳	-۱۱۹۵/۲	-۷۱/۱
۶۴	۱۵۷۸/۴	-۱۶۱/۱	۷۰۷/۹	-۷۰۹/۴
۶۵	-۴۱۹۷/۱	۸۰۲/۳	-۳۷۴۲/۲	-۳۴۷/۴
۶۶	-۱۴۵۱/۳	۷۱۹/۵	-۴۸۳/۱	۲۴۸/۷
۶۷	-۱۳۴۸/۷	۵۵/۹	-۱۷۹۳/۲	-۵۰۰/۴
۶۸	۱۷۰۰	۱۰۳۶/۷	۲۷۹۶/۲	۵۹/۵
۶۹	۷۹۶/۶	۴۹/۱	۱۲۵۱/۴	۴۰۵/۷
۷۰	-۵۸۶۰/۹	۶۱۵/۴	-۵۰۰۹/۳	۲۳۶/۲

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف و سالهای ۶۹ و ۷۰ اداره حسابهای اقتصادی.

۳- بانک مرکزی ج.ا.ا. گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۳.

بازپرداخت اصل وامها و اعتبارات خارجی ۲۵/۹ درصد کاهش و خروج وام و سرمایه خصوصی خارجی با ۶۰/۷ درصد کاهش مواجه بود.

خالص حساب سرمایه موازنه ارزی کشور در سال ۱۳۶۵ حدود ۸۰۲ میلیون دلار مازاد نشان داد. در این سال دریافتیهای سرمایه‌ای نزدیک به ۵ برابر شد و به حدود ۱ میلیارد دلار رسید. افزایش برگشت اصل وام و سرمایه از خارج به میزان ۴۰۷ درصد عامل رشد دریافتیهای سرمایه‌ای در سال

مذکور نسبت به سال ۱۳۶۴ بود که بخشی از این افزایش مربوط به برگشت وام پرداختی به دولت فرانسه و نیز فروش سهام متعلق به ایران در شرکت دویچه بی‌کاک بود. پرداختیهای سرمایه‌ای در این سال ۳۵/۴ درصد کاهش یافت و به ۲۴۲ میلیون دلار محدود شد. همچنین عامل اصلی کاهش پرداختیهای سرمایه‌ای کاهش بازپرداخت اصل وامها و اعتبارات خارجی به میزان ۴۱ درصد نسبت به سال قبل بود.

جدول شماره ۸- حساب سرمایه موازنه ارزی کشور طی سالهای ۱۳۶۱-۷۰ (میلیون دلار)

سال	دریافت	پرداخت	خالص حساب سرمایه
۱۳۶۱	۳۰۹	۵۴۹۳	-۵۱۸۴
۶۲	۲۷۰۴/۸	۶۳۹/۴	۲۰۶۵/۴
۶۳	۱۳۹/۱	-۵۶۰/۲	-۴۲۱/۳
۶۴	۲۱۳/۸	۳۷۴/۹	-۱۶۱/۱
۶۵	۱۰۴۴/۳	-۲۴۲	۸۰۲/۳
۶۶	۹۰۴/۱	۱۸۴/۶	۷۱۹/۵
۶۷	۲۴۸/۶	-۱۹۲/۷	۵۵/۹
۶۸	۱۱۶۳	-۱۲۴/۳	۱۰۳۶/۷
۶۹			۴۹/۱
۷۰			۶۱۵/۴

ماخذ: بانک مرکزی ج.ا.ا، گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف.

۴ - بانک مرکزی ج.ا.ا، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۲.

۵ - بانک مرکزی ج.ا.ا، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۵.

یافت. در مقابل خروج وام و سرمایه خصوصی خارجی با ۵۹/۹ درصد افزایش به ۶۰ میلیون دلار رسید.^۶

در سال ۶۸ خالص حساب سرمایه از مازادی حدود ۱ میلیارد دلار برخوردار گردید. دریافت‌های سرمایه‌ای در این سال به شدت افزایش و به حدود ۱/۲ میلیارد دلار رسید. افزایش برگشت اصل وام و سرمایه از خارج عامل اصلی افزایش دریافت‌های سرمایه‌ای نسبت به سال ۱۳۶۷ بود. دریافت‌های ارزی بابت موافقتنامه بین ایران و ژاپن در مورد مجتمع پتروشیمی بندر امام خمینی و دعاوی مطروحه بین ایران و آمریکا در دادگاه بین‌المللی لاهه (بیانیه الجزایر) از عوامل عمده افزایش مذکور بود. در سال مورد بررسی پرداخت‌های سرمایه‌ای ۳۴/۵ درصد کاهش یافت و به ۱۲۶ میلیون دلار محدود گردید. خروج وام و سرمایه خصوصی و خارجی با ۹۱/۸ درصد کاهش نسبت به سال قبل به ۵ میلیون دلار تنزل یافت. بازپرداخت اصل وامها و اعتبارات خارجی نیز با کاهشی معادل ۱۰/۳ درصد به حدود ۱۱۷ میلیون دلار رسید. در مقابل سرمایه‌گذاری در خارج و اعطای وام ۶۵/۵ درصد افزایش یافت.^۷

در سال ۶۹ خالص حساب سرمایه

خالص حساب سرمایه موازنه ارزی کشور در سال ۶۶ حدود ۷۲۰ میلیون دلار مازاد داشت. در این سال دریافت‌های سرمایه‌ای ۱۳/۴ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت. کاهش برگشت اصل وام و سرمایه از خارج به میزان ۱۳/۵ درصد عامل کاهش دریافت‌های سرمایه‌ای نسبت به سال ۱۳۶۵ بود. ارقام عمده برگشت اصل وام و سرمایه در این سال مربوط به بیانیه الجزایر و نیز وصول بخشی از مطالبات ایران از کشور فرانسه بود. در سال مذکور پرداخت‌های سرمایه‌ای ۲۳/۷ درصد کاهش یافت و به ۱۸۵ میلیون دلار محدود شد. بازپرداخت اصل وامها و اعتبارات خارجی با ۲۴/۲ درصد کاهش به حدود ۱۴۷ میلیون دلار تنزل یافت که عامل اصلی کاهش پرداخت‌های سرمایه‌ای نسبت به سال قبل بود.^۸

در سال ۶۷ خالص حساب سرمایه موازنه ارزی کشور از مازادی حدود ۵۶ میلیون دلار برخوردار گردید. در این سال دریافت‌های سرمایه‌ای به شدت کاهش یافت و به حدود ۲۴۹ میلیون دلار محدود گردید. کاهش برگشت اصل وام و سرمایه از خارج به میزان ۸۴/۱ درصد عامل اصلی کاهش دریافت‌های سرمایه‌ای نسبت به سال ۶۶ بود. در این سال پرداخت‌های سرمایه‌ای ۴/۴ درصد افزایش یافت. بازپرداخت اصل وامها و اعتبارات خارجی با ۱۱/۷ درصد کاهش نسبت به سال قبل به ۱۳۰ میلیون دلار تنزل

۶ - بانک مرکزی ج.ا.ا. گزارش اقتصادی و نرازنامه سال ۱۳۶۶.

۷ - بانک مرکزی ج.ا.ا. گزارش اقتصادی و نرازنامه سال ۱۳۶۷.

۸ - بانک مرکزی ج.ا.ا. گزارش اقتصادی و نرازنامه سال ۱۳۶۸.

۹۵/۲ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت، اما از آنجا که جزئیات مربوط به دریافتها و پرداختهای این حساب در دست نیست نمی توان در خصوص اجزاء آن اظهار نظری نمود. در سال ۱۳۷۰ خالص حساب سرمایه افزایش چشمگیری برخوردار بود، به طوری که به رقمی بیش از ۱۲ برابر رقم مشابه سال قبل افزایش یافت.

۴-۶- تعاریف فرار سرمایه

گرچه تعریف عمومی پذیرفته شده‌ای از فرار سرمایه وجود ندارد، و نویسندگان مختلف هنگامی که از فرار سرمایه بحث می‌کنند، اغلب مفاهیم و تعاریف مختلفی را بکار می‌برند، اما می‌توان گفت که دو تعریف زیر از کاربرد بیشتری برخوردار هستند:

در تعریف اول همه جریانات خروج سرمایه خصوصی از کشورهای در حال توسعه اعم از این که کوتاه مدت باشد یا بلندمدت و این که مستقیم باشد یا غیرمستقیم به عنوان فرار سرمایه تعریف می‌شود. علت نیز این است که کشورهای در حال توسعه معمولاً از نظر سرمایه فقیر هستند و در فرایند توسعه قرض‌گیرندگان خالص خواهند بود.

در تعریف دوم اصطلاح فرار سرمایه به جریانات خروج کوتاه مدت برای اهداف سفته‌بازی یا به جریانات خروج منتج از نااطمینانی‌های اقتصادی یا سیاسی کشور نسبت داده می‌شود و جریانات فوق را در ذهن تداعی می‌کنند. به عبارت دیگر، فرار

سرمایه پولی است که از کشور به واسطه ملاحظات بلندمدت اقتصادی و سیاسی، فرار کرده بخاطر این که در خارج سرمایه‌گذاری شود. بنابراین فرار سرمایه شامل کلیه جریانات کوتاه مدت خروج سرمایه خصوصی به اضافه اقلام خطاها و اشتباهات خالص در حساب تراز پرداختهاست.

- فرار سرمایه

+ کلیه جریانات کوتاه مدت خروج سرمایه خصوصی

اقلام خطاها و اشتباهات خالص در حساب تراز پرداختها با استفاده از تعریف دوم فرار سرمایه در ایران به صورت جدول شماره ۹ محاسبه گردیده است.

این جدول؛ ارقام مربوط به جریان خروج سرمایه کوتاه مدت خصوصی و خالص خطاها و از قلم افتادگیها در حساب موازنه پرداختها را نشان می‌دهد. ارقام مثبت در ستون (۲) نشان‌دهنده بدهکار بودن حساب موازنه پرداختها و ارقام منفی بیانگر بستانکار بودن حساب موازنه پرداختها می‌باشد. بر همین اساس ارقام مثبت در ستون سوم بیان‌کننده فرار سرمایه از کشور و ارقام منفی بیان‌کننده جریان ورود سرمایه به کشور می‌باشد.

ملاحظه می‌گردد که حجم فرار سرمایه برای دوره مذکور بالغ بر ۱۶۳۴ میلیون دلار می‌باشد. چنانچه ملاحظه می‌شود طی سالهای ۶۷-۱۳۶۱ همواره خروج سرمایه از کشور وجود داشته (به استثناء سال ۶۳) ولی از سال ۶۸ این جریان بالعکس شده که

و پرداختهای یک کشور در یک سال مالی را دربر نمی‌گیرد، حال آنکه موازنه ارزی شامل آن بخش از دریافتها و پرداختهای یک کشور است که ارزی بابت آنها مبادله شده است. به عنوان مثال اگر ما پولی در یک بانک خارجی داشته باشیم و هر سال بهره‌ای به آن تعلق گیرد، ولی به صورت ارز وارد کشور نشود، بلکه در همان بانک جمع شود، این مبلغ با اینکه طلب ما از کشور خارجی است، ولی در موازنه ارزی نخواهد آمد، در صورتی که در موازنه پرداختها منظور می‌گردد. اصولاً هدف از تهیه موازنه پرداختها، محاسبه اضافه یا کسری خالص در روابط اقتصادی کشور با خارج و بویژه آگاه ساختن مقامات مسئول از وضع

می‌توان آنرا بیانگر ورود جریانات سرمایه به داخل کشور در اثر اتخاذ سیاستهای جدید در راستای اعطاء وظایف بیشتر به بخش خصوصی و اتخاذ اقداماتی در جهت انجام سرمایه‌گذاریهای مشترک خارجی دانست.

۷- تراز پرداختها

قبل از هر چیز مفید به نظر می‌رسد که تفاوت بین حساب موازنه پرداختها و حساب موازنه ارزی را بیان نمائیم. موازنه پرداختها به مفهوم حساب کلیه مبادلات اعم از کالا و خدمت و درآمدهای ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی بین اشخاص حقیقی و حقوقی مقیم ایران یا خارج از ایران تعریف شده است. لذا موازنه پرداختها کلیه دریافتها

جدول شماره ۹ - برآورد حجم فراسرمایه در ایران با تمرکز بر روی حساب موازنه پرداختها طی سالهای ۷۰-۱۳۶۱ (میلیون دلار)

سال	خروج وام و سرمایه خصوصی (۱)	خالص اشتباهات و از قلم افتادگیها (۲)	میزان فراسرمایه
۶۱	—	-۱۰۵۲	-۱۰۵۲
۶۲	—	-۸۴۶	-۸۴۶
۶۳	—	۱۶۶۰	۱۶۶۰
۶۴	—	-۹۴۶	-۹۴۶
۶۵	—	-۴۶۷	-۴۶۷
۶۶	—	-۱۹۳	-۱۹۳
۶۷	—	-۴۷۲	-۴۷۲
۶۸	—	+۶۸۲	+۶۸۲
۶۹	—	—	—
۷۰	—	—	—

منبع: بانک ج. ا. ا. گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف.

خارجی و موقعیت بین‌المللی اقتصادی کشور است. لازم به ذکر است که اولاً حساب موازنه پرداختها در تمامی کشورها رسمیت بیشتری نسبت به حساب موازنه ارزی دارد، ثانیاً طبق تعریف فوق، حساب موازنه ارزی جزئی از حساب موازنه پرداختها می‌باشد و در ارقام دریافتها و پرداختهای جاری هر دو حساب ارقام مشابهی را ارائه می‌نمایند.

۱-۷- تحولات موازنه پرداختهای کشور
در سال ۱۳۶۱ به دلیل خط مشی دولت در زمینه بکار انداختن چرخهای اقتصادی کشور، لزوم گسترش هرچه بیشتر در زمینه صادرات نفت احساس گردید. از این رو ارزش کل صادرات کشور اعم از کالاهای و خدمات به میزان قابل ملاحظه‌ای حدود ۸۷ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافت. این افزایش ناشی از رشد سریع ارزش کالا (شامل نفت و گاز) بود به طوری که ارزش صادرات نفت با بیش از ۱۰۵ درصد افزایش نسبت به سال قبل به ۲۱/۸ میلیارد دلار در سال ۶۱ بالغ گردید. در مقابل ارزش صادرات کالاهای غیرنفتی به علت مشکلات عدیده در امر تولید و خروج برخی از کالاهای صادراتی به صورت غیرمجاز (قاچاق) و از طرف دیگر به علت رقابت بعضی از کشورهای در بازارهای جهانی حدود ۱۶ درصد کاهش یافت. در این سال سیر نزولی ارزش صادرات خدمات کشور که از سال ۵۸ آغاز شده بود، همچنان ادامه

یافت، به طوری که به رقم ۱/۱ میلیارد دلار رسید. در سال مورد بررسی، واردات کالا عمدتاً به علت اقدامات دولت در زمینه سهمیه‌بندی ارزی و نظارت بر نحوه تخصیص ارز جهت ورود کالاهای کاملاً ضروری و حیاتی، حدود ۸ درصد کمتر از رقم مشابه سال قبل بود و به ۱۴/۳ میلیارد دلار رسید. همچنین واردات خدمات حدود ۱۳ درصد کاهش یافت و از ۱/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۰ به ۱/۵ میلیارد دلار در سال ۶۱ محدود شد. تقلیل قابل ملاحظه واردات خدمات در این دوره عمدتاً معلول ممنوعیت مسافرت به خارج و تقلیل فروش ارز به دانشجویان بود که روی هم رفته در این دوره حدود ۴۱ درصد نسبت به دوره مشابه سال قبل کاهش یافت. در نتیجه از یک سو به علت کاهش واردات و از سوی دیگر به دلیل افزایش چشمگیر صادرات نفت، حساب جاری موازنه پرداختهای کشور با مازادی حدود ۷/۴ میلیارد دلار مواجه گردید. در این سال خالص حساب سرمایه با کسری حدود ۷/۷ میلیارد دلار مواجه شد، چراکه وامها و اعتبارات خارجی دولت به میزان ۵/۴ میلیارد دلار بازپرداخت گردید. با توجه به موارد فوق و حدود ۹۳۶ میلیون دلار بابت تعدیلات زمانی مربوط به صادرات و واردات کشور بابت پیش پرداخت ارزی برای واردات کالا و ارز فروخته نشده به سیستم بانکی بابت صادرات، در مجموع موازنه پرداختهای کل با

دلار در سال ۱۳۶۲ رسید. در این سال ارزش صادرات نفت با ۲/۲ درصد کاهش به ۲۱/۲ میلیارد دلار رسید. در مقابل ارزش صادرات خدمات که طی سالهای گذشته روند نزولی داشت، در سال ۶۱ به ۱/۳ میلیارد دلار افزایش یافت. در سال مورد بررسی واردات کالا عمدتاً به علت افزایش زیاد ورود مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز صنایع کشور و کالاهای سرمایه‌ای از رشد چشمگیری برخوردار بود و به رقم ۲۰/۶ میلیارد دلار رسید. به علاوه واردات

کسری معادل ۵۷۴ میلیون دلار روبرو شد." در سال ۱۳۶۲ سیاست دولت در جهت بهبود و تقویت بنیه اقتصادی کشور علی‌رغم ادامه جنگ قرار گرفت، به طوری که با وجود تحدید امکانات صدور نفت ایران، ارزش کل صادرات کشور به میزان ناچیزی حدود ۱/۲ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت و به ۲۲/۹ میلیارد دلار رسید. در این سال ارزش صادرات غیرنفتی به دلیل اعمال تسهیلات جدید دولت حدود ۲۵/۷ درصد افزایش یافت و از ۲۸۴ میلیون دلار در سال ۱۳۶۱ به ۳۵۷ میلیون

جدول شماره ۱۰ - خالص حساب جاری، حساب سرمایه و موازنه پرداختهای کل طی سالهای ۷۰-۶۱ (میلیون دلار)

سال	موازنه پرداختهای کل	موازنه ارزی کل	خالص حساب سرمایه	خالص حساب جاری
۱۳۶۱	-۵۷۴	۱۳۰۴/۶	-۷۷۳۰	۷۳۶۸
۶۲	-۵۰۷	-۵۸۴/۵	۱۶۰۰	۴۴۵
۶۳	-۳۱۷۷	-۱۱۹۵/۲	-۲۴۷۵	۱۹۲۴
۶۴	۶۵	۷۰۷/۹	-۱۵۱۴	۲۰۲۶
۶۵	-۲۰۲۵	-۳۷۴۲/۲	۲۱۷۲	-۵۱۵۵
۶۶	-۲۸۴	-۴۸۳/۱	۱۰۶۸	-۲۴۷۶
۶۷	-۱۴۲۸	-۱۷۹۳/۲	-۷۹	-۱۸۶۹
۶۸	۳۰۱۶	۲۷۹۶/۲	۱۳۲۱	-۲۶۹۱
۶۹	۶۸۲	۱۲۵۱/۴	-۱۱۵	-۲۱۷۲
۷۰		-۵۰۰۹/۳		

ماخذ: بانک مرکزی ج.ا.ا. گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف و سال ۶۹

خدمات نیز ۲۵/۷ درصد افزایش یافته و به رقم ۱/۹ میلیارد دلار بالغ گردید. رشد واردات خدمات عمدتاً مربوط به افزایش کسریه حمل و نقل کالاهای وارداتی و پرداخت بابت خدمات دولتی بوده است. در سال ۶۲ خالص حساب سرمایه موازنه پرداختهای کشور به علت برگشت اصل سرمایه ازخارج در چارچوب بیانه الجزایر از مازادی معادل ۱/۶ میلیارد دلار برخوردار گردید و موازنه پرداختهای کل با کسری معادل ۵۰۷ میلیون دلار مواجه شد.

در سال ۱۳۶۳ سیاست دولت در جهت صرفه جویی هرچه بیشتر در پرداختهای ارزی برای جبران کاهش صادرات نفت کشور که ناشی از بحران خلیج فارس و رکود بازار جهانی نفت بود قرار گرفت. در سال مورد نظر ارزش صادرات کالا (شامل نفت و گساز) با ۲۰/۶ درصد کاهش به ۱۷/۱ میلیارد دلار محدود گردید. در مقابل ارزش صادرات غیرنفتی به میزان ناچیزی حدود ۱/۱ درصد افزایش یافت و به ۳۶۱ میلیون دلار رسید. در این سال ارزش صادرات خدمات کشور با کاهشی معادل ۱۹/۹ درصد مواجه گردید و از ۱/۳ میلیارد دلار در سال ۶۲ به ۱/۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۳ تنزل پیدا نمود. این کاهش عمدتاً به دلیل تنزل ارزش درآمد سرمایه گذاری (شامل سود و بهره) که بیش از ۵۵ درصد ارزش صادرات خدمات کشور را شامل می گردید بوده است.

درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت. همچنین واردات خدمات نیز حدود ۷/۶ درصد کاهش یافت و از ۱/۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۲ به ۱/۷ میلیارد دلار در سال ۶۳ تنزل نمود. بدین ترتیب در سال ۱۳۶۳ با وجود کاهش واردات کالاها و خدمات، به علت کاهش بیشتر ارزش صادرات کالاها و خدمات، حساب جاری موازنه پرداختهای کشور با کسری معادل ۴۱۴ میلیون دلار مواجه شد. با توجه به ۲/۵ میلیارد دلار کسری حساب سرمایه و با در نظر گرفتن ۲۸۸ میلیون دلار کسری بابت تعدیلات زمانی، موازنه پرداختهای کل با کسری معادل ۳/۲ میلیارد دلار مواجه گردید.

در سال ۱۳۶۴ سیاست دولت به دلیل کاهش دریافتهای ارزی بخش نفت در جهت محدودیت هرچه بیشتر در مصرف منابع ارزی کشور و گسترش صادرات کالاهای غیرنفتی استوار بود. در این سال ارزش صادرات نفت با کاهشی معادل ۱۸ درصد از ۱۶/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۳ به ۱۳/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۴ محدود شد. در مقابل ارزش صادرات کالاهای غیرنفتی، به دلیل اتخاذ سیاستهایی در جهت تسهیل و تشویق صادرات غیرنفتی، از رشد قابل ملاحظه ای به میزان ۲۸/۸ درصد برخوردار گردید. در این سال ارزش صادرات خدمات کاهش زیادی به میزان ۲۸/۶ درصد نسبت به سال قبل پیدا نمود. کاهش ارزش

در سال ۱۳۶۳ واردات کالا به دلیل کاهش درآمدهای ارزی کشور، حدود ۱۸/۳

۱۱ - بانک مرکزی ج.ا.ا. گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۲

۱۲ - بانک مرکزی ج.ا.ا. گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۳

۱۳۶۴ به ۶/۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۵ محدود شد. در مقابل ارزش صادرات غیرنفتی از رشد فوق‌العاده‌ای به میزان ۹۷ درصد برخوردار بود و از ۴۶۵ میلیون دلار در سال ۶۴ به ۹۱۶ میلیون دلار در سال ۶۵ رسید. افزایش مذکور عمدتاً به دلیل اعطاء تخفیف‌های ارزی گوناگون به صادرکنندگان و افزایش نرخ ارز صادراتی (واریزنامه) بویژه از اوائل سال ۶۵ بود. در این سال ارزش صادرات خدمات کشور با کاهش معادل ۲۰/۴ درصد مواجه گردید.

در سال مورد گزارش واردات کالا به دلیل مضیق‌های ارزی ناشی از کاهش درآمد نفت، ۱۳/۸ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت و از ۱۳/۷ میلیارد دلار در سال ۶۴ به ۱۱/۸ میلیارد دلار در سال مورد بررسی محدود شد. واردات خدمات نیز از ۱/۷ میلیارد دلار به ۱/۱ میلیارد دلار در سال ۶۵ تنزل نمود. علی‌رغم کاهش واردات کالاها و خدمات به علت کاهش بیشتر صادرات کالاها و خدمات، حساب جاری موازنه پرداختها با کسری معادل ۵/۲ میلیارد دلار مواجه گردید. در این سال خالص حساب سرمایه موازنه پرداختها ۲/۲ میلیارد دلار مازاد نشان داد که با در نظر گرفتن حدود ۹۵۸ میلیون دلار کسری بابت تعديلات زمانی، موازنه پرداختهای کل با کسری معادل ۲ میلیارد دلار مواجه گردید.

صادرات خدمات عمدتاً به دلیل تنزل درآمد سرمایه‌گذاری (شامل سود و بهره) در این سال بود. در سال ۱۳۶۴ روند نزولی واردات کالا که از سال قبل به دلیل کاهش درآمدهای ارزی آغاز شده بود، همچنان ادامه یافت و با ۲۲/۶ درصد کاهش از ۱۴/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۳ به ۱۱/۲ میلیارد دلار در سال مورد گزارش محدود گردید. همچنین واردات خدمات نیز کاهش معادل ۲/۶ درصد داشت. بدین ترتیب در سال ۱۳۶۴ حساب جاری موازنه پرداختها از ۲ میلیارد دلار مازاد برخوردار بود، با توجه به کسری خالص حساب سرمایه معادل ۱/۵ میلیارد دلار در سال مذکور و با در نظر گرفتن ۴۴۷ میلیون دلار کسری بابت تعديلات زمانی، موازنه پرداختهای کل از مازادی معادل ۶۵ میلیون دلار برخوردار گردید.^{۱۳}

در سال ۱۳۶۵ سیاست دولت به دلیل کاهش شدید دریافت‌های ارزی بخش نفت که ناشی از سقوط قیمت جهانی نفت بود، در جهت محدودیت هرچه بیشتر در زمینه پرداخت ارز برای واردات کالا و خدمات قرار گرفت. در این سال ارزش کل صادرات کشور (اعم از کالا و خدمات) با کاهش فوق‌العاده‌ای به میزان ۴۷/۹ درصد نسبت به سال قبل از ۱۴/۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۴ به ۷/۸ میلیارد دلار در سال مورد گزارش تنزل یافت. در این سال ارزش صادرات نفتی با کاهش شدیدی به میزان ۵۴/۴ درصد از ۱۳/۷ میلیارد دلار در سال

۱۳- بانک مرکزی ج.ا.م.گزارش اقتصادی و ترانزنامه سال ۶۴

۱۴- بانک مرکزی ج.ا.م.گزارش اقتصادی و ترانزنامه سال ۶۵

میلیارد دلار بابت تعدیلات زمانی موازنه پرداختهای کل، با کسری معادل ۳۸۴ میلیون دلار مواجه شده^{۱۵}.

در سال ۶۷ به دلیل مضیقه‌های ارزی ناشی از کاهش درآمد نفت، سیاست ارزی دولت همچنان بر مبنای صرفه‌جویی در پرداخت ارز برای واردات کالاها و خدمات قرار داشت. در این سال ارزش صادرات نفت حدود ۱۰/۱ درصد در مقایسه با سال قبل کاهش یافت و به ۹/۷ میلیارد دلار رسید که عمدتاً به دلیل کاهش قابل توجه قیمت نفت در بازارهای جهانی بود. در این سال ارزش صادرات غیرنفتی نیز حدود ۱۰/۸ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت و از ۱/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۶ به ۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۷ تقلیل یافت. در سال ۶۷ واردات کالا به دلیل کاهش درآمد نفت، ۱۳ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت و از ۱۳/۲ میلیارد دلار در سال ۶۶ به ۱۱/۵ میلیارد دلار رسید. در مقابل واردات خدمات حدود ۱۱/۸ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافت و به ۱/۳ میلیارد دلار رسید. بدین ترتیب به دلیل کاهش بیشتر واردات کالاها و خدمات در مقایسه با صادرات، کسری حساب جاری موازنه پرداختها به ۱/۷ میلیارد دلار محدود گردید. در سال مورد گزارش، خالص حساب سرمایه نیز ۷۹ میلیون دلار کسری پیدا نمود که با توجه به ۳۴۳ میلیون دلار بابت تعدیلات مربوط به صادرات و واردات

در سال ۶۶ با وجود افزایش دریافت‌های ارزی کشور، سیاست صرفه‌جویی ارزی دولت به جز در مورد هزینه‌های ارزی مربوط به جنگ تحمیلی ادامه داشت و ارزش کل صادرات کشور افزایش قابل توجهی به میزان ۴۲/۴ درصد در مقایسه با سال قبل پیدا نمود و به ۱۱/۱ میلیارد دلار بالغ گردید. در سال مورد گزارش، ارزش صادرات نفت با افزایش زیادی به میزان ۵۱/۵ درصد نسبت به سال قبل از ۶/۳ میلیارد دلار در سال ۶۵ به ۹/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۶ رسید. افزایش مذکور به دلیل ترقی قیمت نفت در بازارهای جهانی و افزایش میزان صادرات نفت کشور بود. در این سال ارزش صادرات غیرنفتی از رشد قابل ملاحظه ۲۶/۸ درصد برخوردار بود، ولی ارزش صادرات خدمات کشور کاهش زیادی به میزان ۲۸ درصد نسبت به سال قبل پیدا نمود که عمدتاً به دلیل تنزل درآمد سرمایه‌گذاری (شامل سود و بهره) در سال مذکور بود. در این سال واردات کشور با رشدی معادل ۴/۴ درصد نسبت به سال قبل از ۱۱/۸ میلیارد دلار در سال ۶۵ به ۱۲/۳ میلیارد دلار در سال مورد گزارش افزایش یافت. همچنین واردات خدمات نیز از رشد ۹/۱ درصدی برخوردار بود. بدین ترتیب در سال ۱۳۶۶ علی‌رغم افزایش ارزش صادرات کالاها و خدمات، حساب جاری موازنه پرداختها حدود ۲/۵ میلیارد دلار کسری پیدا نمود. در این سال خالص حساب سرمایه از مازادی معادل ۱/۱ میلیارد دلار برخوردار بود که با در نظر گرفتن حدود ۱

۱۵ - بانک مرکزی ج.ا.ا، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۶.

کشور، در این سال موازنه پرداختهای کشور با کسری معادل ۱/۴ میلیارد دلار مواجه شد.^{۱۶}

در سال ۱۳۶۸ به موازات افزایش درآمدهای ارزی کشور، سیاست ارزی دولت در جهت کاهش محدودیت‌های موجود در زمینه واردات کالاها و خدمات قرار گرفت. در این سال ارزش صادرات نفت با رشدی معادل ۲۴/۴ درصد از ۹/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۷ به ۱۲ میلیارد دلار افزایش یافت. رشد مذکور به دلیل افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی و نیز افزایش مقدار صادرات بود. (صدور نفت خام ۱۰/۷ درصد نسبت به سال قبل افزایش نشان داد). ارزش صادرات غیرنفتی نسبت به سال قبل تغییر چندانی ننمود و در سطح ۱ میلیارد دلار باقی ماند. در مقابل ارزش صادرات خدمات کشور با افزایش قابل توجه ۷۰/۹ درصد نسبت به سال قبل از ۴۶۷ میلیون دلار در سال ۱۳۶۷ به ۷۹۸ میلیون دلار رسید. در این سال واردات از رشد قابل ملاحظه ۲۶/۵ درصد نسبت به سال قبل برخوردار بود و به رقم ۱۴/۸ میلیارد دلار رسید. سیاست واردات بدون انتقال ارز و اجرای سیاست جدید ارزی مبنی بر فروش ارز ترجیحی رقابتی جهت واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرانجام افزایش درآمدهای ارزی، از عوامل اصلی افزایش واردات کالا در این سال محسوب می‌گردند. واردات خدمات نیز با افزایشی معادل

۳۱/۷ درصد نسبت به سال قبل از ۱/۳ میلیارد دلار به حدود ۱/۸ میلیارد دلار رسید. بدین ترتیب حساب جاری موازنه پرداختها حدود ۲/۷ میلیارد دلار کسری پیدا نمود. در این سال خالص حساب سرمایه موازنه پرداختهای کشور حدود ۱/۳ میلیارد دلار مازاد نشان داد که با توجه به حدود ۴/۴ میلیارد دلار بابت تعویلات زمانی مربوط به صادرات و واردات کشور، موازنه پرداختهای کل از مازادی حدود ۳ میلیارد دلار برخوردار گردید.^{۱۷}

در سال ۱۳۶۹ موازنه پرداختهای کل از کاهشی معادل ۷۷/۳ درصد نسبت به سال قبل برخوردار بود و به رقم ۶۸۲ میلیون دلار رسید. علی‌رغم آنکه در این سال ارزش کل صادرات (شامل نفت و گاز) ۳۹/۹ درصد نسبت به سال قبل رشد داشته است، که در این میان ارزش صادرات نفتی معادل ۴۴/۹ درصد و ارزش صادرات غیرنفتی معادل ۲۷/۱ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته‌اند. در سال مورد بررسی صادرات کالاها و خدمات نسبت به سال قبل از رشدی معادل ۹۴/۵ درصد برخوردار بوده است، ولی به دلیل افزایش قابل توجه واردات کالاها و خدمات به میزان ۸۹ درصد (از ۳۵۹۳ میلیارد ریال در سال ۶۸ به ۶۷۹۲ میلیارد ریال در سال ۶۹ افزایش یافته

۱۶ - بانک مرکزی ج.ا.ا، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۷.

۱۷ - بانک مرکزی ج.ا.ا، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۸.

۶۸۲+ میلیون دلار بوده ایم.

۷-۲- تغییرات در دارائیهای خارجی
خالص دارائیهای خارجی در طی سالهای برنامه معادل سال ۱۳۶۷ در سطح ۷۲۴ میلیارد ریال ثابت فرض شده است و استقراض دولت از سیستم بانکی در طول سالهای برنامه به عنوان تغییرات خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی منظور گردیده است. در مورد استقراض شرکتهای دولتی، چنین فرض شده است که افزایش سالانه بدهی آنها برابر با افزایش سالانه مجموع سپردههای بخش دولتی نزد سیستم بانکی باشد. با فرض فوق خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی از ۱۱۶۷۶/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۱۷۴۸۹/۲

است) خالص صادرات از رشد منفی بر-خوردار بوده است، به طوری که با ۷۰ درصد کاهش از رقم ۸۲۰/۵ - میلیارد ریال در سال ۶۸ به ۱۳۹۶/۹ - میلیارد ریال در سال ۶۹ کاهش یافته است.^{۱۸}
خالص حساب سرمایه نیز در سال ۶۹ از کاهش چشمگیری برخوردار بوده است، به طوری که در سال مورد بررسی، شاهد ۱۱۵ میلیون دلار کسری بوده که نسبت به سال قبل (سازاد ۱۳۲۱ میلیون دلاری) کاهش قابل توجهی داشته است. با توجه به تعدیلات زمانی ۲۹۶۹ میلیون دلار مربوط به صادرات و واردات کشور (بابت استفاده از اعتبارات جهت واردات کالا و ارز دریافت شده بابت صادرات) و نیز کسری خالص حساب جاری معادل (۲۱۷۲-) میلیون دلار، شاهد موازنه پرداخت‌هایی معادل

جدول شماره ۱۱- تصویرترازنامه تلفیقی سیستم بانکی کشور طی سالهای برنامه (۷۲-۱۳۶۸) (میلیارد ریال)

شرح	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲
خالص دارائی های خارجی (برنامه)	۷۲۴	۷۲۴	۷۲۴	۷۲۴	۷۲۴	۷۲۴
خالص دارائی های خارجی (عملکرد)	۶۶۰/۵	۷۵۵/۷	۱۳۱۶/۴	-	-	-
درصد عدم تحقق	-۸/۷	+۴/۳	+۸۱/۸	-	-	-

ماخذ: سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا، ۱۳۶۹ صفحه ۶۹ و گزارش اقتصادی سال ۶۹ صفحه ۱۰۷.

۱۸ - بانک مرکزی ج.ا.ا، اداره حسابهای اقتصادی، مدیریت امور فرهنگی و روابط عمومی.

مطالعه، بررسی امکان تحقق پیش بینی های برنامه است. از آن جایی که ارتباط مستقیمی میان درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و میزان صادرات غیرنفتی وجود دارد، لذا در ابتدا به بررسی صادرات نفتی کشور پرداخته شده است که به دلیل ذکر آن در قسمت درآمدهای مالیاتی، در این جا از ذکر مجدد آن خودداری شده و صرفاً به بررسی صادرات غیرنفتی و واردات کشور در مقایسه با اهداف برنامه می پردازیم.

در سال ۱۳۶۸ صادرات غیرنفتی نسبت به سال قبل ۰/۸ درصد رشد داشته که نسبت به رقم پیش بینی شده در برنامه ۳۹/۹ درصد کمتر تحقق یافته است. کاهش عملکرد سال مذکور نسبت به اهداف برنامه عمدتاً مربوط به کاهش عملکرد صادرات کالاهای صنعتی (۸۳/۶ درصد) و محصولات معدنی (۶۷/۶ درصد) و فروش ۱۷/۹ درصد بوده است. در واقع با توجه به ارقام برنامه در صادرات غیرنفتی، سهم عمده ای به بخش صنعت داده شده است. حال آن که عملکرد سالهای ۶۸ و ۶۹ نشانگر آن است که عملکرد کشاورزی در سالهای مذکور به ترتیب ۸۴/۶ درصد و ۱۰۱/۵ درصد بیش از اهداف برنامه تحقق یافته و به نظر می رسد، چنان چه در امر افزایش تولید و بهبود کالاهای صنعتی اقدامی جدی صورت نگیرد، با توجه به افزایش جمعیت و تقاضای داخلی برای کالاهای صادراتی، افزایش صادرات

میلیارد ریال در سال ۱۳۷۳ افزایش خواهد یافت که نشان دهنده رشد سالانه ای به طور متوسط معادل ۸/۴ درصد می باشد.

طی سالهای ۶۸ و ۶۹ تحت تاثیر رشد سطح قیمتهای جهانی نفت و بعضاً افزایش سطح تولید و صادرات نفت خام کشور، در دارائیهای خارجی سیستم بانکی افزایش قابل ملاحظه ای ایجاد شد. در پایان سال ۶۷ مانده خالص دارائیهای خارجی معادل ۶۶۰/۵ میلیارد ریال بود که در پایان سال ۱۳۶۸ به ۷۵۵/۷ میلیارد ریال و در سال ۶۹ به میزان ۱۳۱۶/۴ میلیارد ریال رسیده است که به این ترتیب نسبت به قانون برنامه مبنی بر این که خالص دارائیهای خارجی طی سالهای برنامه در سطح ۷۲۴ میلیارد ریال حفظ خواهد شد، به عنوان نکته مثبت افزایش قابل ملاحظه ای داشته به طوری که در سال ۶۹، ۸۱/۴ درصد بیش از رقم برنامه تحقق یافته است (جدول شماره ۱۱).

۸- نتیجه گیری

مسأله تجارت خارجی در بررسی امکان پذیری حصول اهداف برنامه پنجساله، از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا ساختار اقتصادی ایران وابستگی زیادی به دنیای خارج دارد. لذا ضرورت آشنایی با بازرگانی خارجی و روابط صادرات و واردات در بررسی ساختار اقتصادی ایران انکارناپذیر است. در واقع هدف از این

به هدف تعیین شده (۱۷/۷ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی در طی دوره) دستیابی به این رقم باتوجه به واقعیات اقتصاد ایران و شرایط تولید و قیمت در بازارهای جهانی کاملاً خوش بینانه است و لذا ضروری است که در برنامه پنجساله بعدی به این واقعیات توجه داشت و سهم بیشتری را به صادرات کالاهای کشاورزی و سنتی واگذار نمود.

درخصوص واردات، اکثر اقلام بیش از اهداف برنامه تحقق یافته است. البته درمورد واردات کالاهای اساسی و استراتژیک در سال ۶۸ بالغ بر ۲/۱ میلیارد دلار بوده است که ۲۱/۷ درصد کمتر از رقم پیش‌بینی شده در برنامه می‌باشد. درمقابل، واردات آهن‌آلات به میزان قابل توجهی (۱۸۴ درصد) بیش از رقم پیش‌بینی شده تحقق یافته است. درمورد واردات قطعات یدکی خودرو نیز در این سال شاهد ۶۱/۳ درصد مسازاد تحقق نسبت به برنامه می‌باشیم. واردات چوب و سیگار نیز به ترتیب ۳۶/۷ درصد و ۱۳/۶ درصد نسبت به برنامه بیشتر تحقق یافته است. البته از آنجا که ارقام عملکرد از ارقام مندرج در اسناد گشایش اعتبار استفاده شده است که با عملکرد واقعی متفاوت است، لذا نمی‌توان درخصوص موفقیت عملکرد دولت درخصوص واردات کالاهای اساسی، اظهار نظر قطعی کرد. به عنوان مثال درمورد کالاهای اساسی (شامل گندم، برنج، شکر، گوشت قرمز، چای، روغن، پنیر و کوه) گرچه ظاهراً کاهش ۲۱/۷ درصدی در سال ۶۸ نسبت به برنامه وجود داشته، ولی این

غیرنفتی به نحوی که در برنامه منظور شده است، غیرممکن خواهد بود، چراکه صادرات صنعتی در سالهای ۶۸ و ۶۹ به ترتیب معادل ۸۳/۶ درصد و ۸۱/۵ درصد نسبت به اهداف برنامه عدم تحقق داشته است. به طوری که در سال ۶۹ عملکرد کلی صادرات غیرنفتی نسبت به اهداف برنامه ۴۴/۳ درصد کمتر تحقق یافته است. شایان ذکر است در این سال صادرات مواد معدنی ۷۷/۸ درصد و صادرات فرش ۱۹/۲ درصد عدم تحقق داشته، معذالک در سال ۷۰ صادرات فرش نسبت به رقم برنامه ۳۷/۱ درصد بیشتر تحقق یافته است. در واقع عملکرد صادرات در بخش صنعت، همچنان فاصله چشمگیری با اهداف برنامه داشته که این امر ناشی از خوش بینانه بودن اهداف برنامه در بخش مذکور می‌باشد. در حالی که در بخش کشاورزی شاهد ۱۰۱/۵ درصد رشد نسبت به رقم برنامه در سال ۶۹ هستیم و لذا به نظر می‌رسد که درخصوص جهت‌گیری از بخش صنعتی به بخش کشاورزی بایستی تدابیری اندیشیده شود، چراکه به نظر می‌رسد صادرات سنتی و کشاورزی کشور از مزیت بیشتری نسبت به بخش صنعت برخوردار باشد.

در مجموع صادرات غیرنفتی نسبت به رقم پیش‌بینی شده در سال ۱۳۷۰ از عدم تحقق کمتری برخوردار بوده است، به طوری که ۱۷ درصد کمتر از اهداف برنامه تحقق یافته است. به طور کلی باتوجه به عملکرد سه سال گذشته در حدود ۵ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داشته‌ایم که باتوجه

کاهش تا حدودی به دلیل تغییرات قیمت خرید کالاها نسبت به رقم پیش‌بینی شده است.

ارزش واردات کالاهای اساسی در سال ۶۹، ۱/۳ درصد کمتر از پیش‌بینی برنامه تحقق یافته است، گرچه از لحاظ وزنی نسبت به پیش‌بینی برنامه ۳۲ درصد افزایش نشان می‌دهد که کاهش ارزش واردات، عمدتاً ناشی از تغییر قیمت‌ها بوده است. همچنین بیشترین عدم تحقق در مورد واردات مواد اولیه و واسطه‌ای برای تولید فرش به چشم می‌خورد (۹۵/۶ درصد کمتر از برنامه) در حالی که واردات آهن‌آلات نسبت به رقم برنامه در سال مذکور ۸۹ درصد بیشتر تحقق یافته، ولی در مورد کاغذ واردات ۱۴/۱ درصد کمتر از رقم پیش‌بینی شده بوده است. اما به طور کلی اکثر اقلام وارداتی در سال ۶۹ دارای عملکردی بیش از پیش‌بینی برنامه می‌باشند که علل عمده آن عبارتند از: وابستگی زیاد به درآمدهای ارزی نفت و تحقق نسبی درآمدهای ارزی دولت، اعمال برخی سیاستهای دولت (ورود آهن‌آلات بدون انتقال ارز) و ... همچنین در مجموع بخش صادرات غیرنفتی با عدم تحقق قابل توجهی مواجه بوده است که عمده‌ترین دلایل آن وجود مشکلاتی است که گریبانگیر این بخش می‌باشد. این مشکلات به طور خلاصه عبارتند از:

- خوش‌بینانه بودن اهداف صادرات غیرنفتی نسبت به ساختار اقتصادی به طور

اعم و بخش صنعت به طور اخص.

- عدم موفقیت سیاست صادرات از طریق قراردادهای بای‌بک در بخش صنعت.

- جذب بخشی از تولیدات قابل صدور به تقاضای داخلی به دلیل تورم داخلی و سودآور بودن عرضه کالا در بازار داخلی.

- محدود بودن تقاضای جهانی برای محصولات و صادرات غیرنفتی (کشاورزی و صنعتی) و وجود رقبا در صحنه بازار بین‌المللی.

- چند نرخ بودن نرخ ارز که موجب تشدید مشکلات قیمت‌گذاری گردیده است.

- عدم وجود برنامه مدون و تعیین حدود مسؤلیت بخشهای مختلف صنعتی در تولید و صدور کالاهای صنعتی و در این رابطه عدم اختصاص بخشی از تولید داخلی برای صدور.

نکته درخور توجه آن‌که در برنامه پنجساله هیچ‌گونه پیش‌بینی در خصوص جریان تراز پرداختها (تراز جاری و حساب سرمایه) به عمل نیامده است و لذا صرفاً در این گزارش به بررسی تحولات تراز پرداختها طی دهه گذشته اکتفا شده است.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- ترازنامه سالهای مختلف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲- سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- ۳- اداره حسابهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۴- گزارش اقتصادی سازمان برنامه و بودجه سال ۱۳۷۰.
- ۵- وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، امکان‌پذیری حصول اهداف برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بخش تجارت خارجی، سال ۱۳۶۹.
- ۶- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال ۱۳۶۹.
- ۷- گزارش پس از چهارسال (بررسی عملکرد چهارساله دولت) منتشره از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اردیبهشت ۱۳۷۲.
- ۸- سازمان برنامه و بودجه معاونت امور اقتصادی، دفتر اقتصاد کلان، گزارش اقتصادی سال ۱۳۶۸، آذرماه ۱۳۶۹.
- ۹- سازمان برنامه و بودجه، معاونت امور اقتصادی، دفتر اقتصاد کلان، گزارش اقتصادی سال ۶۹، آذرماه ۱۳۷۰.
- ۱۰- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره حسابهای اقتصادی، مدیریت امور فرهنگی و روابط عمومی.
- ۱۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره حسابهای اقتصادی، خلاصه تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب، سال ۱۳۶۳.
- ۱۲- وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، «تبیین پولی تورم در اقتصاد ایران و امکان‌پذیری حصول اهداف برنامه پنجساله توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا.» سال ۱۳۶۹.